

پیام سنديگا

پیام سنديگا

پیام آور سنديکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سنديکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۶۹ / سال هفتم / تیر ماه ۹۷ / نشریه سنديکاهای کارگری ایران



سندیکای کارگران
نقاش و تزئینات
تاسیس: ۱۳۴۸



اتحادیه
نیروی کار
پروژه‌های



در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱
گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۹
در هفت تپه چه خبر است؟ ص ۲۸
گزارش ارسالی یک کارگر به پیام سندیکا ص ۳۰
،، طبقه کارگر ،، ص ۳۱

نامه یک کارگر پروژه ای به نشریه پیام سندیکا ص ۳۲

در صندوق بازنشستگی آینده ساز چه خبر است؟؟ ص ۳۳

دروغ به کارگران صنایع فولاد اهواز ص ۳۴

۲۳ تیر سال ۱۳۲۵ روزی که کارگران خوزستان حماسه آفریدند ص ۳۶

تأثیر پول کثیف بر روابط اجتماعی ص ۳۸

زلزله زندگان کرمانشاهان را درناییم! ص ۴۴

شعر ص ۴۷

از هر ۱۰ نفر فقیر در جهان ۶ نفر زن هستند! ص ۵۱

هفته خونین کمون پاریس ماه ص ۵۲

تلخ و شیرین های گازیم عاشقی ص ۵۳

یادی از دکتر سوکرانس فونبالیست و پزشک فقرا ص ۵۹

یک لحظه ی باشکوه ص ۶۲

ایمنی کار ص ۶۴

مبانی اقتصاد سیاسی ص ۶۵

پیدایش و تکامل حیات ص ۶۷

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com مراجعه کنید.

ابوتراب فیضی تا به آخر استوار ماند!



ابوتراب فیضی کوشنده کارگری با بیش از ۶۰ سال سابقه سندیکایی درگذشت. ابوتراب فیضی نماینده کارگران بهشهر بود و تا به آخر به عهدی که با آرمان های کارگریش بسته بود وفادار ماند.

او را تامین اجتماعی مجسم نامیده بودند و این بی اغراق بود. چه در سالهای سیاه ستم شاهی و چه در دوران محدودیت های بیشمار برای حق گویان، فیضی از پا ننشست و در دفاع از کارگران و اندوخته هایشان در تامین اجتماعی به هیچوجه کوتاه نیامد.

بسیاری از قوانین تامین اجتماعی و تبصره هایش را با کوشش او و دیگر کوشندگان کارگری تا به آخر استوار در تامین اجتماعی امروز زحمتکشان ایران مورد استفاده قرار می دهند.

او در انتقاد از مراسم پر خرج تاجگذاری شاه گفته بود: «اگر پول چراغانی این مراسم برای مردم خرج می شد.....» بیش از ۳ ماه متواری بود تا

دست ساواک به او نرسد. در بعد از انقلاب نیز روی خوش ندید و بسیار فقیرانه و در تنهایی بدرود حیات گفت. مسوولین سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار در او کارگر سر سختی را می دیدند که هر چند به او وقت ملاقات نمی دادند و با هزاران ترفند این پیرمرد را سر می دواندند، باز هم برای خواسته ای کارگران منتظر وقت آقایان بود.

او با حسرتی در دل ما را تنها گذاشت و آن دستبردی بود که مجلس امسال به دولت اجازه داد تا سهم درمان تامین اجتماعی را در بند « ز » بوجه به صورت غیرقانونی تصاحب کند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن تسلیت به خانواده ایشان و طبقه کارگر ایران و ضمن پاسداشت زحمات این سندیکالیست فقید با او پیمان می بندد تا از حقوق کارگران در تامین اجتماعی کوتاه نیاید و دست های نامحرم را از این سازمان کوتاه کند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۱ خرداد ۱۳۹۷

از قوانین بیاموزیم!

پرسش؛ اگر پرسنلی از کارفرما بعلت عدم ارسال لیست و پرداخت حق بیمه به سازمان شکایت داشته باشد، امکان برگشت سوابق هست؟

✓ پاسخ؛ در صورت عدم ارسال لیست و پرداخت حق بیمه از سوی کارفرما، با ارائه مدارک و مستندات دریافت حقوق و مزد، موضوع قابل بررسی بوده و در صورت احراز، حق بیمه متعلقه از کارفرما به علاوه جرایم مربوطه قابل پیگیری خواهد بود.

پاسخ فریاد حق خواهی، سرکوب نیست!

پس از روزها دادخواهی و قول های بی پشتوانه مسولین اهوازی، کارگران به جان آمده در اعتراض به دستمزدهای عقب افتاده، پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی، تعیین وضعیت کارخانه های گروه ملی فولاد، راه اندازی تولید و ثبات شغلی خود دست به تجمع مقابل استانداری اهواز زده بودند که ۶۲ نفر از کارگران دستگیر شده اند.

اسامی ده کارگر زندانی گروه ملی صنعتی فولاد اهواز که از بین ۶۲ کارگر بازداشتی این مجتمع صنعتی همچنان در بازداشت بسر می برند به شرح زیر است: ۱. کریم سیاحی - ۲. سعید شابی - ۳. امیر حریراوی - ۴. محمد فلاحی - ۵. عبدالرحمن ساکی - ۶. جواد اسکندری - ۷. محمد علی جماعتی - ۸. محمود خسرو شاهی - ۹. علی طاهری - ۱۰. سجاد حسین پور

این ده کارگر به اتهام واہی شکستن شیشه های دفاتر نماینده های مجلس شورای اسلامی در جریان اعتراضات خیابانی در زندان نگه داشته شده اند.

ما ضمن هشدار به مسولین در برخورد با کارگران اعتصابی به جای کسانی که شرایط را به گونه ای مدیریت کرده اند که کارگران به خیابان آیند، اعلام می کنیم از همه توان خود چه در ایران و چه به لحاظ بین المللی استفاده کرده و از برادران خود حمایت می کنیم.

کارگران فولاد حق خود را می خواهند و سرکوب آنان سرکوب جنبش کارگری و میدان دادن به دشمنان طبقه کارگر و منافع ملی کشور ایران است

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۵ خرداد ۱۳۹۷

تهدید و احضار کارگران فولاد را محکوم می کنیم!

با خبر شدیم پلیس امنیت اهواز در هفته جاری اقدام به احضار ۵ نفر از کارگران فولاد به نامهای مصطفی عبیات، امین علوانی، کریم صیاحی، حسن حمودی و طارق خلفی کرده است و امروز نیز اقدام به احضار پیمان شجراتی و میثم قنواتی نموده است.

تلاش ها برای ترساندن کارگران فولاد در جهت عدم پیگیری مطالبات خود بی تردید با شکست مواجه خواهد شد. تا زمانی که مشکل این مجتمع بزرگ که برای مردم اهواز و کشور حیاتی است بصورت درست حل نشود، کماکان اعتراض ها به قوت خود باقی است.

سرکوب کارگران چاره کار نیست، باید دست رانتخوران دلال از صحنه سیاست و اقتصاد کشور کوتاه شده و مسببین این سو مدیریت ها از کار برکنار و محاکمه شوند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران همسو با ۴ هزار کارگران فولاد اهواز و خانواده هایشان این احضار ها را محکوم کرده و خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران و تمدید دفترچه های درمانی سازمان تامین اجتماعی این کارگران و تعیین تکلیف نهایی این مجتمع استرترژیک هستیم.



سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۶ خرداد ۱۳۹۷

از خواسته های برادرانمان در شرکت فولاد اهواز حمایت می کنیم!

در فراخوانی که کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز آمده است چنین می خوانیم:

"قابل توجه تمامی پرسنل فهیم و زحمتکش شرکت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز که اخوت و برادری و در کنار هم بودن را ابتدا به یکدیگر و بعد به همه عوام و خواص جامعه ثابت کردند.

همکاران بزرگوار و گرامی از مدیران بخشها و تمامی سرپرستان قسمتها و مهندسیین و تکنسین ها و کارگران تمامی قسمتهای کارخانه ، در اعتراض به عدم تعیین تکلیف همکاران در بندمان و عدم پاسخگویی واضح و شفاف مسئولین قضایی در مورد وضعیت و زمان آزادی برادرانمان و همچنین سکوت مشکوک و عدم پیگیری مسئولین ارشد استانی به وضعیت این عزیزان فردا چهارشنبه مورخ ۳۰ خرداد ۱۳۹۷ راس ساعت ۹ صبح تا روشن شدن وضعیت عزیزانمان همه با هم در بیت نماینده ولی فقیه در استان خوزستان حضرت آیت الله موسوی جزایری دامت برکاته ، دست به تحصن خواهیم زد.

حضور همه همکاران و تمام کسانی که نسبت به آینده شرکت و همکاران کوچکترین احساس مسئولیتی میکنند لازم و ضروری می باشد".

با توجه به آزادی های چند روز اخیر کارگران بازداشتی متأسفانه هنوز کریم سیاحی - محمد فلاحی - عبدالرحمن ساکی - جواد اسکندری - محمد علی جماعتی و سجاد حسین پور آزاد نگردیده اند. لذا تا برآورده شدن تمامی خواسته های این برادران کارگر از خواسته هایشان حمایت می کنیم و از تمامی امکانات خود برای اجرایی شدن خواسته هایشان استفاده خواهیم کرد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۹ خرداد ۱۳۹۷

دیدارهای نماینده گان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران



گفتگو و دیدار نمایندگان سندیکای کارگران شرکت واحد و نماینده معلمان کردستان با
رییس سندیکای ترانسپودت نیروژ-اسلو



دیدار نمایندگان سندیکای کارگران شرکت واحد و نماینده معلمان مریوان، با خانم نینا
مسئول همبستگی اتحادیه ال او خانم کاترین مسنول روابط بین الملل در ژنو



دیدار رییس روابط بین الملل سازمان سراسری اتحادیه کارگری ال او با نمایندگان سندیکای کارگران شرکت واحد و نماینده معلمان-مریوان درمحل دفتر LO دراسلو نروژ



گفتگوی نمایندگان سندیکای کارگران شرکت واحد و نماینده معلمان- مریوان با رییس سندیکای ترانسپورت درمحل دفتر این سندیکا درسونده.



گفتگوی نمایندگان سنديکای کارگران شرکت واحد با مسنولين اتحاديه کارگری LO سوئد -
سنديکای متال - سنديکای ترانسپورت و کومنال در دفتر LO در سوئد.



شرکت نمایندگان سنديکای کارگران شرکت واحد و نماینده معلمان مریوان در نشست
سازمان سراسری اتحاديه های کارگری سوئد (LO) در استکهلم و گوتنبرگ.

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

گزارش پیام سندیکا از روزکارگر در ذوب آهن:

در روز کارگر کارگران اکثرن تعطیل بوده و فقط شیفت ها کار می کردند. در شرکت روزکارگر نداشتیم اما طی یک مراسمی از کارگران نمونه در روز ۱۰ اردیبهشت آن هم به مناسبت اعیاد شعبانیه در فرهنگسرای زرین شهر تجلیل شد. در این مراسم نه تنها به مشکلات کارگران پرداخته نشد بلکه حتا به یکی از کارگران نمونه هم اجازه سخن گفتن داده نشد.

در جشن دیگری که به مناسبت ولادت صاحب الزمان در مدیریت کک سازی برگزار شد باز هم هیچ کارگری اجازه حرف زدن داده نشد.

همچنین در فرهنگسرای امام رضا نیز جشنی برپا بود که در آن خانواده های ذوب آهنی حضور داشتند ولی از مشکلات کارگران و خانواده هایشان حرفی به میان نیامد.

فقط در مسابقات دو همگانی به مناسبت روز کارگر برگزار شد.

البته در بخش های مختلف ذوب آهن در روز ۱۰ اردیبهشت کارگران در مورد روز کارگر گفتگو کرده و به هم تیریک گفتند.

گزارشی از سمینار بیماری های خطرناک در ذوب آهن:

در سمینار بیماری ها و سرطان های شایع در مردان در ذوب آهن روز ۵ اردیبهشت اعلام شد تجهیزات پیشرفته بیمارستان شهید مطهری ذوب آهن سرطان های پروستات و روده بزرگ را به آسانی شناسایی می کند.

علیرضا اجدانی مدیر بیمارستان با مرور اقدامات تخصصی این بیمارستان و خدمات ارائه شده در واحد طب صنعتی ذوب آهن یادآور شد که بسیاری از بیماری ها در آزمایش های طب صنعتی شناخته می شود و همکاران می توانند با مراجعه به این بیمارستان درمان خود را در ابعاد تخصصی تر و با هزینه های جاری و طبق دفترچه های بیمه ای دنبال کنند. او یادآور شد که با امکانات پیشرفته موجود در این بیمارستان سرطان های پروستات و روده بزرگ به آسانی شناسایی شده و راه درمان آن آسانتر می گردد.

متأسفانه در این سمینار از بیماری های شایع در کارگران ذوب آهن به جز سرطان پروستات و سرطان روده بزرگ اسمی برده نشد. از بیماری های چشمی، آرتروزهای گردن و پا، پیری زودس به ویژه در کوره بلند، و بیماری بسیار شایع آسم گفتگویی نشد. همچنین در این سمینار از پیشگیری حرفی به میان نیامد.



گرامی داشت زنده یاد قادر عظیمی بر فراز کوه صفه

در نخستین برنامه گروه ۲ کوهنوردی ذوب آهن اصفهان در سال ۱۳۹۷ پس از فقدان جبران ناپذیر مربی کوهنوردی این گروه زنده یاد قادر عظیمی، ۳۴ تن از کوهنوردان ذوب آهن در ۷ اردیبهشت یاد او را بر فراز قله صفه اصفهان گرامی داشتند. در این برنامه، خانواده گرامی ایشان نیز در کنار شمار دیگری از خانواده های شرکت کننده در برنامه هم‌نوردان حضور داشتند. کوهنوردان در کنار پرچم یادبودی که به تصویر زنده یاد قادر عظیمی مزین بود عکس گرفته و آنگاه به یاد او و دیگر یاران از دست رفته سرود کوهنورد و در خاتمه سرود ای ایران را در فضای بیکران کوهستان طنین انداز کردند.

همچنین در یک برنامه سه روزه ابوذر ابراهیمی از کارگران تولید و توزیع برق و از شاگردان این زنده یاد در ۶ اردیبهشت برای زنده نگه داشتن یاد این کوهنورد مردمی موفق به صعود تفتان در سیستان و بلوچستان شدند. یاد و خاطره اش همیشه در قلوب کوهنوردان ذوب آهن زنده است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو:



ایران خودرو

۱- با اعتصاب رانندگان کامیون در هفته گذشته افت تولید در ایران خودرو از مرز ۶۰ درصد هم گذشت. این افت در همه سالن های ایران خودرو بسیار مشهود بود و هنوز تولید به روال عادی بازنگشته است.

۲- همچنین مدیریت ایران خودرو از بازنشسته کردن کارگرانی که بیش از ۲۰ سال در این شرکت خدمت کرده اند طفره می رود و این کارگران همچنان باید در سر کار خود حاضر باشند

۳- فشار کاری بر روی کارگران ایران خودرو هر روز بیشتر می شود و شرکت بیش از ۵ سال است که از استخدام کارگر خودداری کرده و جایگزینی برای کارگران بازنشسته نداشته است

۴- همچنین از سالن های تولید خبر می رسد که شرکت در حال رباتیک کردن بخش هایی از کارخانه است و از تعداد کارگرانش بی تردید خواهد کاست

مطالبات کارگران و پرسنل شرکت های پیمانکاری در مجتمع مس سرچشمه



بنا به گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در مجتمع مس سرچشمه، واقع در استان کرمان؛ شرکت های پیمانکاری و مشاور مربوط به طرح های توسعه ی این مجتمع با وجود درآمد سرشار کارفرما از فروش مس، پرداخت های حقوقی پرسنل زیر مجموعه ی خود را به موقع انجام نمی دهند؛ این تاخیرات پرداخت دستمزد پرسنل به شرح زیر می باشند:

مشارکت سبافام

پیمانکار کوره ی فلش، پس از راه اندازی کوره در انتهای سال ۹۶ اقدام به اخراج بیش از ۴۰ نفر از کارگران و مهندسين نموده و تا کنون حقوق، سنوات و مزایای ایشان پرداخت نگردیده است؛ پرسنل مشغول به کار این پیمانکار از بهمن ماه سال ۹۶ حقوق دریافت نکرده اند.

مشاور پروژه ی فلش، شرکت کاوشگران، کل اضافه کار سال ۹۶ و سنوات را پرداخت ننموده و حقوق اسفندماه سال ۹۶ به صورت علی الحساب پرداخت شده است.

تیترا سایر شرکت ها که در پرداخت حقوق کارگران مشمول تاخیرات غیر قابل قبول بوده اند بدین شرح است:

شرکت نصر راه پاسارگاد با چهار ماه تاخیر پرداخت حقوق، عیدی و پاداش سال ۹۶

شرکت هامان فن پی آریا پیمانکار دست دوم پروژه ی فلش با چهار ماه تاخیر پرداخت حقوق و نرخ حداقل دستمزد کمتر از مصوبه ی اداره ی کار.

شرکت رهیار مانی نیز با چهار ماه تعویق پرداخت حقوق ، عیدی سال ۹۶ به انضمام حذف هزینه ی ایاب و ذهاب و ...

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از اعتصاب رانندگان کامیون تبریز:



در روز ۶ خرداد صبح یکشنبه تعداد ۱۰ تن از رانندگانی که نماینده رانندگان اعتصابی تبریز بودند به فرمانداری رفته در مورد مشکلات رانندگان اعتصابی توضیحاتی را دادند. آنان در مورد اصلی ترین مشکل رانندگان که همانا فساد در پایانه ها و شرکت های حمل و نقلی است گفتگو کردند. آنان تاکید کردند که بیش از ۶۰ درصد از درآمدها به جیب شرکت های حمل و نقل می رود و رانندگان هر روز فقیر تر می شوند. نمایندگان قوی مبنی بر خاتمه اعتصاب ندادند و اعلام کردند ۲۰ درصد افزایش کرایه کمترین خواسته رانندگان بوده و به این طریق می خواهند رانندگان را از اعتصاب و حقوق خود بازداشته و میان رانندگان اختلاف بیاندازند و فساد در حمل و نقل را به حاشیه بکشانند. به عنوان مثال کمیسیون اخذ شده توسط شرکت های حمل و نقل برای کرایه بار تبریز به تهران ۴۰ درصد یک میلیون تومان است. فرمانداری قول داد که در اسرع وقت به موضوعات مطروحه ترتیب اثر بدهد. آنچه اتفاق افتاد کوتاه شدن دست دلان از اعلام بارها و جابجایی نوبت ها بود

بی تردید هنوز مشکل بیمه سخت و زیان آور و کسر حق بیمه مطابق برنامه رانندگان حل نشده است.

گزارشی از شرکت عمران آذرستان



شرکت عمران آذرستان همچنان که از نامش پیداست در زمینه ساخت و ساز فعالیت می کند و در حال حاضر حدود ده پروژه در دست اجرا دارد که از این ده پروژه یک پروژه کاملن فعال می باشد و بقیه یا کاملن تعطیل هستند و یا نیمه تعطیل. از جمله:

۱- پروژه مسکونی تجاری بانک سپه در چیتگر که فعال است و مراحل پایانی کار را انجام می دهد.

۲- پروژه حکم آباد قزوین که کارفرمای آن شهرداری می باشد ولی به علت انجام ندادن تعهدات مالی از طرف کارفرما پروژه موقتن تعطیل می باشد. در این پروژه حدود صد نفر نیروی شرکت و پیمانکاران جزء بیکار شده اند.

۳- پروژه دانشگاه آزادتهران به کارفرمایی وزارت علوم و تحقیقات که با حدود دویست نیروی شرکت و پیمانکاران جز تعطیل است .

۴- پروژه رمشک در کرمان به کارفرمایی شرکت اسکان ایران با مشارکت بنیادعلوی تعطیل است.

۵- پروژه زعفرانیه به کارفرما بنیاد مستضعفان با حدود ۱۵۰ نفر نیروی شرکتی و پیمانکار جز تعطیل است .

۶- پروژه پارسیمان به کارفرمایی بانک پارسیمان که تعطیل است .

۷- یک پروژه در ورامین و چند پروژه در جنوب که در حال حاضر فعالیتی در آنها وجود ندارد. یادآوری می شود بیشتر پروژه ها تا پایان سال ۹۶ فعال بوده اند .

اما چند نکته قابل توجه در مورد شرکت عمران آذرستان:

۱- این شرکت تقریباً مقررات اداره کار و تأمین اجتماعی را رعایت می کند .

۲- به اندازه کافی نیروی hse دارد و در رعایت نکات ایمنی جدی هستند.

۳- دو ماه حقوق نیروها نزد شرکت می ماند ولی سر دو ماه پرداخت می شود. در صورت نیاز مساعده به کارگران پرداخت می نماید .

۴- بر روی اخراج کارگران مانور نمی دهد و سعی می کند نیروهای خود را حفظ نماید. تا جایی که نیروهای چه کارگر و چه پرسنل اداری و مهندس در پروژه چیتگر جمع نموده که بعضی نیازی به آنها در این پروژه نیست. مدیریت این پروژه (چیتگر) نسبت به مشکلات کارگران و پرسنل احساس مسئولیت می نماید .

۵- کارگران زیادی در این پروژه کار می کنند که در جنوب برای این شرکت کار کرده اند. ولی پس از اتمام کار اخراج نشده و به تهران منتقل شده اند.

۶- تمام نیروهایی که بخواهند از خوابگاه استفاده بنمایند در اختیار آنها گذاشته خواهد شد همراه با صبحانه، نهار و شام. حتی برای ساکنین تهران و کرج....

هدف از ارائه این گزارش این بود که نباید فقط سیاهی ها را بینیم، بلکه اگر پرتوی از روشنایی هم باشد از ارائه آن ابایی نداریم و اتفاقاً این بیشتر ما را خوشحال می کند.

گزارش های کارگری از پروژه ها



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایلام

پیمانکار مهدی جعفری ۲۰ کارگر برایش در پروژه ساخت بیمارستان ۳۶۰تختخواهی ایلام (بان ایلام) و زیر نظر شرکت وزان کار می کنند. این پیمانکار تخلفاتی دارد که قابل تامل هست.

اول اینکه هیچگونه غذایی به کارگران و کارکنانش نمی دهد، خواه روزمزد باشی خواه پیمانکار. لباس کار، کفش کار، پتو، تشک، بالش و... مطلقاً در کار نیست. اگر هم تهیه کند پولش را از کارگر می گیرد. بیمه ندارد، عیدی، سنوات و... ندارد. کارگر روزمزد، کارگر فنی یا استادکار را بین پنجاه تا شصت هزار تومان روزانه حقوق می دهد و هیچ چیزی بجز کار برایش مهم نیست. اگر برایش روزمزد کار بکنی باید مثلاً ارزش کاری که انجام داده ای از پنجاه شصت هزار تومان بالاتر باشد وگرنه با حساب کتاب مبلغ را کم می کند. چه روز مزد کار بکنی چه پیمانکاری باید لوازم و تجهیزات شغل را داشته باشی و چنانچه حتی یک بیل یا آچار به کارگری بدهد سی درصد از

کارکرد را برمی دارد. کارگری برایش ۲ روز کار کرد حتا یک ریال هم حقوق نداد.

این پیمانکاران هستند که ضد کارگر هستند و بر فرق کارگر شلاق و ضربه میزنند. خیلی مزخرفه که لوازم کار را با سی درصد حساب کند و همزمان دو یا سه گروه از لوازم بخواهند استفاده بکنند و اگر به همین دلیل معطلی در کار ایجاد بشود کسر حقوق بخوری. و در آخر این جمله را به کارگر بگوید: «تو این کاره نیستی و کار بلد نیستی»

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه کارگران پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها این پیمانکار متخلف و ضد کارگر را تحریم کارگری می کند
برای خودمان ارزش قایل باشیم و به هر سختی و خفتی تن ندهیم.

تحریم های کارگری بر علیه شرکت های پروژه ای

طبق دریافت گزارشات و شکایات متعدد پروژه ای در تهران با پیمانکاری فتحی از شهرستان هفشجان به آدرس : تهران چیتگر شرکت ایرانمال بیمه برای کارگران به تامین اجتماعی پرداخت نمی کند. همچنین تعیین حقوق به نرخ چهار سال پیش و عدم پرداخت حقوق از دیماه پارسال تا کنون. این پیمانکاری بارها و بارها کارگران را به تهران کشانده و کارگران را در عمل انجام شده بدون خوابگاه قرار دادند و به کارگر گفته شده باهزینه خودتون خوابگاه کرایه کنید. و مسلم است که کارگر قبول نکرده و پس از هزینه های بسیار زیاد سفر به تهران، مجبور به بازگشت شده اند. دوستان پروژه ای آگاه و هشیار باشید پروژه ایران مال در تهران با پیمانکاری فتحی تحریم میباشد و از تماس با ایشان و رفتن به این پروژه اکیدا خودداری کنید. گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت ساختمانی ژیان

این شرکت با دارا بودن ۱۵۰ کارگر در شهرک صنعتی بزرگ شیراز، تصفیه خانه آب فاضلاب شیراز مشغول به کار است. این شرکت از بهمن ماه به کارگزارانش تاکنون به مدت ۵ ماه حقوق نداده است. این شرکت وضعیت غذایی بسیار بدی را به کارگران ارایه می دهد، عدس پلو و ماکارونی و دیگر هیچ. هر کارگری که برای تسویه حساب اقدام کند، دیگر به پولش نخواهد رسید. با این شرایط کارگران از ترس تسویه حساب و اخراج بدون دریافت پول دست به اعتصاب نمی زنند.

با توجه به موارد گزارش بالا این شرکت در تحریم کارگری گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران قرار می گیرد.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت ساختمانی ژیان

کارگری هستم که از تاریخ ۱۹ شهریور سال ۹۶ تا به امروز در شرکت ساختمانی ژیان بآو در شهرک صنعتی شیراز مشغول کار هستم و از تاریخ ۲ تیر ۹۷ به دلیل عقب افتادن حقوق هایمان اعتصاب کردیم. نزدیک به ۱۲۰ نیرو هستیم با مهندسین و نیروهای اجرایی. شغل من فیتز هست امروز رییس شرکت آقای شهرام لیلایی گفت: « کسانی که اعتصاب کردن همه اخراج هستند» شخص رییس شرکت بین کارگران تفرقه انداخت. نزدیک ۷۰ تن از کارگران اعتصاب کردیم. شرکت مجبور شد یک برج حقوق واریز کند به حساب کسانی که اعتصاب نکردن. بعدش یک برج واریز کرد به حساب نیروهای ایمنی که اعتصاب بودن و رفتن سرکار. امروز هم ما که ۴۰ تن هستیم اخراج کرد. فردا باید تسویه کنیم. آخه ما باید به کی بگوییم که به داد ما برسه؟ اداره کار میری بهشون رشوه داده کلانتری بری هم باز همون آش همون کاسه. از سندیکای کارگران فلزکارمکانیک می خواهیم صدای ما باشد.

گزارش رسیده به پیام سندیکا از پتروشیمی کنگان

درود به کارگران، پروژه ای

در شرکت اکسیر صنعت به پیمانکاری محمدی، در پترو پایدار (پتروشیمی کنگان) خوابگاه کارگران در تپه ی آنتن میباشد و ما به لحاظ قانون اینجا باید ، در هر اتاق ۶ نفر باشیم ولیکن ،اتاق ها ۸ و ۹ نفره است وبه سختی می توان زندگی کرد. غذا کیفیت ندارد و کارگر حاضر است گرسنه بخوابد اما معترض نشود کما اینکه هرگونه اعتصاب و اعتراضی صورت گیرد ،کارگر اخراج میشود. درمحل کار سرپرست ها وفورمن ها برخورد خوبی با کارگران دارند و خدا را شکر از نظر اخلاق جو خوبی دارد. اما فشار کاری زیاد است و آمار روزانه فیتاب ۲۰۰ اینچ و جوش ۱۸۰ است. اگر فیتر و جوشکار نتوانند آمار خوبی بدهند، اخراج می شوند.

روز استخدام را نصف حساب می کنند و روزهایی که با کمبود متربال و پایپ روبه رو می شویم، یا ریزش نیرو دارند و یا بمدت ، دو روز باید در خوابگاه بخوابی و حقوق هم نداری. در طول یک ماه شاید ۱ تا ۸ روزش، را بیکار باشی.

یک فرقی ما بین جوشکار و بقیه کارگران گذاشتند و آن این است که جوشکار هاز در پترو- پایدار تا محل کار پیاده نمی آیند ، ولی بقیه باید این مسافت ۸۰۰، متری را دو بار در روز پیاده طی کنند

فیترها وجوشکار های با تجربه ،که آمار خود را به خاطر تجربه و سرعت عمل تا قبل از تمام شدن تایم کاری تکمیل می کنند ، اضافه ی اینچی که کار می کنند را به صورت اینچی پول دریافت کرده و از این پول چیزی به کمی خود نمی دهند.

بزرگواران ، ببینید اکثر بدبختی ها و رنج و زحمت ، به خاطر سهل انگاری و بی تفاوتی، خودمان است. کارگر برای خودش مشکل و دردسر درست میکند. از ماست که بر ماست.

وقتی فیترها با هم اتحاد کنند و همه با هم یک آمار یکسان بدهند و کسی به خاطر دو هزار بیشتر به همکار کم تجربه و یا کُند کار خود ظلم نکنند پیمانکاران هم نمی توانند سواستفاده کنند.

پیمانکار ، محمدی ، به بمن میگفت ، یک ماه پیش آمار ۱۴۰ بود ، الان شد ۲۰۰ ، وقتی پیمانکار دید ، فیترا تا ساعت ۲ آمار داد و یه ۶۰ اینچ دیگه هم اینچی به فیترا پول میده ، حرص و طمعش باعث میشود و آمار را زیادتر کند. وقتی جوشکارسوار ماشین میشود و خودش را از کمکی اش و بقیه بالاتر میداند ، پیمانکارم هم به خود حق می دهد از این اختلاف سو استفاده کرده هر بلایی سر کارگران در بیاورد.

برادران کارگر بیایید متحد شویم و برای مشکلات مان دست جمعی فکر کنیم و دست جمعی عمل کنیم.

اگر مشکل یک نفر را همگی حل کنیم دیگر آن کارگر پشتیبان بزرگی چون شما دارد. دیگر کارگرنیاز به التماس به پیمانکار و سرافکندگی ندارد.

حق مان را خوردند چون اتحاد نداشتیم و آگاه نبودیم بیایید دست به دست هم دهیم و نگذاریم حق مان پایمال شود

سپاس با آرزوی سلامتی و تن درستی، برای شما ، خوبان

کارگر پروژه ای وحید محمدی

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ورشکستگی در صنایع

از کارخانه لوازم خانگی ال جی قزوین که با سرو صدای بسیار در سال گذشته با ۵۰۰ کارگر افتتاح شد خبر می رسد که بیش از ۳۰ درصد کارکنانش در سال جدید تمدید قرارداد نشده اند و با مطرح شدن موضوع تحریم ها وضعیت این کارخانه در هاله ای از ابهام فرو رفته است و محصولاتش هم به دلیل گرانی در بازار به خوبی فروش نمی رود.

کارخانه اسپیکو سازنده پمپ های مکنده هم در سال جاری از تعداد کارکنانش کم کرده و برای اولین بار حقوق کارگرانش را با تاخیر یکماه پرداخت شد.

کارخانه مواد غذایی تک ماکارون هم در سال جاری از تعداد کارکنانش کاسته است و به دنبال گران کردن محصولاتش می باشد

از کارخانه آمریکایی - انگلیسی و ایرانی بریتیش آمریکن توباکو، کارخانه سیگار سازی کنت در اشتهارد کرج خبر می رسد کارخانه فروش بسیار عالی داشته و هفته ای یک میلیارد فروش سیگارش است.

از چهار خبر بالا می توان نتیجه گرفت که صنایع صنعتی و غذایی ما دچار مشکل شده اما کارخانه چند ملیتی کنت با فروش بی سابقه اش، نشانگر انحراف از صنعت به سوی دود شدن منابع ارزی و مالی کشور سمت و سو یافته است و در حال وابسته تر شدن صنایع کشور به خارج می باشد که با تحریم ها فلج شدن صنعت امری حتمی است.

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از گروه تلگرافی سندیکای واحد



تجمع اعتراضی رانندگان شرکت واحد عضو پروژه مسکن سپیدار ۲ و ۳ به دلیل تاخیر بیش از ۵ سال واحدهای مسکونی رانندگان، ۲ تیرماه مقابل شهرداری و شورای شهر تهران.



به گزارش خبرنگار ایلنا، حدود ۵۰ نفر از کارگران خریدار آپارتمان در پروژه‌های سپیدار ۲ و ۳ (متعلق به شرکت تعاونی مسکن شرکت واحد

اتوبوسرانی) مقابل ساختمان‌های شهرداری و شورای اسلامی شهر تهران تجمع کردند. حاضران در تجمع در این مورد گفتند: «قرار بود که آپارتمان‌ها تا پایان سال ۹۱ تحویل داده شود اما تا به حال که بیش از ۵ سال از موعد آن می‌گذرد خبری از تحویل آپارتمان‌ها نیست. این در شرایطی است که ما برای رهایی از مستاجری خانه خریده‌ایم.» آنها با بیان اینکه در روزهای گذشته شرکت تعاونی مسکن شرکت واحد اتوبوسرانی مبالغی برای تکمیل آپارتمان‌ها مطالبه کرده است، گفتند: «حتی برای تعدادی از ما اخطاریه آمده است که اگر پول ندهیم از پروژه حذف می‌شویم.» معترضان افزودند: «سال‌هاست که به دلایل متعددی تحویل واحدها به ۲۷۰ کارگر خریدار آنها به تعویق افتاده است و ما در اعتراض به این امر تجمعات صنفی متعددی برگزار کرده‌ایم»

اعضای هیات مدیره تعاونی مسکن پرسنل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، دلیل تعویق‌های مکرر در تحویل آپارتمان‌ها را بدعهدی پیمانکار اول پروژه عنوان می‌کنند و تاکید دارند که در این زمینه هیچ قصوری نداشته‌اند؛ در غیر این صورت دستگاه قضایی کشور بدون هیچ تسامحی آنها را مقصر اعلام می‌کرد و رای به محکومیت‌شان می‌داد. هم‌اکنون پیمانکار اول پروژه‌های سپیدار ۲ و ۳ با شکایت این تعاونی مسکن و رای دادگاه مسئول رسیدگی به پرونده در زندان و پیمانکار جدید مشغول تکمیل پروژه است اما زمان تحویل آپارتمان‌ها همچنان مشخص نیست.

متوقف ماندن اتوبوس های شرکت واحد در توقفگاه:

متوقف ماندن اتوبوس های شرکت واحد در توقفگاه به دلایل ناچیز، سختی کار را برای رانندگان بیشتر و معضل ازدحام مسافر در اتوبوس را برای شهروندان افزون کرده است. بنابر گزارشات موثق در سامانه پنج بی آر تی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران روزانه ۳۰ - ۳۵ دستگاه اتوبوس به دلیل

خرابی ناچیز در توقفگاه، متوقف است. مطابق گزارشات همین وضعیت با اندکی تغییر بیش و کم در دیگر سامانه های شرکت واحد وجود دارد. نمونه خرابی های اتوبوس متوقف شده بعلت نبود لاستیک برای اتوبوس ها است. مدیریت شرکتی با این وسعت، حتی از تامین لاستیک اتوبوس عاجز است. که قطعاً با جلوگیری از ریخت پاش های چند روز مدیریت می شود لاستیک یکسال اتوبوس های متوقف شده را تامین کرد.

برابر گزارشات مکرر مسئولان حتی اگر همه اتوبوس های موجود در خطوط مسافران را جابجا کند باز هم با استاندارد تعداد اتوبوس برای شهر تهران بسیار فاصله است. و از این بابت سختی کار بر دوش رانندگان است و ازدحام و کمبود اتوبوس شهروندان را آزار می دهد؛ چه رسد به اینکه روزانه در هریک از سامانه های شرکت واحد ۳۰ تا ۳۵ دستگاه اتوبوس متوقف باشد. و با متوقف شدن هر یک دستگاه اتوبوس به همان اندازه رانندگان و شهروندان آزار و اذیت می شوند.

سؤال رانندگان و شهروندان از مسئولان شهری اینست که چرا هیچ نظارتی بر عملکرد ناکارآمد مدیریت شرکت واحد صورت نمی گیرد و مدیریت این شرکت بازخواست نمی شود؟

در زمستان گذشته گزارشی تصویری از اتوبوس های متوقف مانده در سامانه چهار بی آر تی از کانال تلگرام سندیکا منتشر شد و انتظار می رفت وضعیت بهبود یابد؛ اما مدیریت ناکارآمد شرکت واحد بجای رفع نقص مدیریتی اش، برگه هایی را که علت خرابی اتوبوس در آن نوشته و در شیشه جلو نصب شده بود را تعویض کرد و اینبار خرابی اتوبوس ها در این برگه ها را با کد مشخص کرد که دیگر فیلمی از اتوبوس های متوقف مانده در توقفگاه های شرکت واحد به دلایل جزء ای منتشر نگردد.

کسرکردن غیرقانونی از حقوق رانندگان سامانه یک بی آر تی شرکت واحد

مدیریت ناکارآمد شرکت واحد از حقوق ماه گذشته رانندگان خط یک بی آر تی مبالغی را برخلاف ماده ۴۵ قانون کار کسر نموده است. به دلیل ترافیک در سطح شهر و عدم برنامه ریزی مناسب از سوی مدیریت شرکت واحد همچنین پیش آمدهای غیرمنتظره در حین کار، در پایان کار برای رانندگان دقایق و بعضا ساعتی بعنوان پرت در کار پیش می آید که در آن تایم اندک وقت نمی شود که تا انتهای خط مسیر را بروند و به ناچار در پایانه اتوبوس را متوقف می کنند تا ساعت کارشان پایان یابد و گاه به دلیل ازدیاد اتوبوس و شلوغی پایانه همچنین استفاده از سرویس بهداشتی و ... از زمان ورود به پایانه تا سوار کردن مسافر مدتی به طول می انجامد که این موضوع کاملا طبیعی است و از گذشته در شرکت واحد وجود داشته است. و کم شدن یا از بین رفتن این ساعات پرت بستگی به مدیریت مناسب شرکت واحد دارد و از عهده رانندگان خارج است.

اما مدیریت ناکارآمد شرکت واحد به ازاء و متناسب با این ساعات پرت از حقوق ماه گذشته رانندگان ناحیه غرب (آزادی) سامانه یک بر خلاف ماده ۴۵ قانون کار مبالغی را کسر نموده است که موج نارضایتی را در بین رانندگان بوجود آورده است.

در این سامانه به رغم نارضایتی کارگران و رانندگان از تشکیل شورای اسلامی کار، مدیریت با بهره گیری از تقلب در رای گیری همچنین در بخش هایی فریب کارگران با شعار تشکیل شورا با افراد جدید که مطالبات کارگران را پیگیری کنند؛ با هر تقلب و ترفندی شده شورای اسلامی کار فرمایشی را بر کارگران تحمیل کرد. اما این شورا در مورد موضوع برداشت غیرقانونی از حقوق رانندگان به نفع مدیریت سکوت کرده و کاملا در مورد پیگیری مطالبات کارگران عقیم است.

در هفت تپه چه خبر است؟



درخصوص تعطیلی سه روزه ای که مدیریت اعلام کرده بعرض برسانم هر فردی که با حداقلهای کار تولیدی و اقتصادی آشنایی داشته باشد میدانند که اعلام سه روز تعطیلی برای کارگاهی که با تولید اسمی خود فاصله زیادی گرفته نشانه خوبی از روند روبه رشد نیست و باشعار مدیریت شرکت «پیش بسوی هفت تپه ای آباد» در تضاد است درحالی که کارخانه تولید شکر نیاز مبرم به تعمیرات مناسب با توجه به فرتوت بودن دارد. از هندی برای اورهال کارخانه دعوت میکنیم چه دلیلی دارد که تمام پرسنل این بخش رابه مرخصی یا استراحت اجباری فرستاده و زمان را از دست بدهیم تا شاید در هزینه ها صرفه جویی شود. چون اگر غیر از این بود که بعنوان دو روز استراحت عرفی پایان بهره برداری به استراحت فرستاده میشدند که هم شایسته تر بود و قابل احترام. کاش توسط مدیریت محترم و پیش از پایان بهره برداری وسایل و امکانات لازم جهت تعمیرات فراهم میشد تا بلافاصله بعد از پایان بهره برداری کار تعمیرات شروع می شد، تا تعمیرات کارخانه به روز آخر کشیده

نشود و کارگران را اینبار مجبور به ایستادن به اضافه کاری اجباری نکنیم که این موضوع خلاف قانون کار بوده و می بایست با توافق باشد. آیا اگر کارگر هم بخواهد از ایستادن اضافه کاری اجباری امتناع کند کار شرکت انجام میگیرد؟ کار تولیدی یک اقدام مشترک دوجانبه است که با تعامل و همدلی و انگیزه به بهترین شکل ممکن به سرانجام که همان تولید اسمی هست میرسد. کارفرما با همان دستی که میدهد با دست دیگه میگیرد در این مدت انصافن تاجه حد به تعهدات خود عمل کرده تا کارگر هم به وظایفش عمل کند؟ اگر اکثر کارهای شرکت ماشینی و مکانیزه بود، میشد درصد انگیزه را در تولید پایین تر از آن چیزی که امروز لازمه دانست و با برنامه ریزی این موضوع را پوشش داد ولی وقتی که اکثر کارهای شرکت توسط نیروی انسانی انجام میشود میبایست نقش انگیزه در تولید بیشتر و بالا بردن بهره وری را لحاظ کرده و آن وقت به فکر سود و درآمد بیشتر بود. دیگر نیاز نبود با کاهش هزینه ها از طریق کاهش اضافه کاری اقدام کرد چون با تولید بیشتر درصد هزینه ها کمتر نمایان میشود. در غیر اینصورت این امر تحقق نخواهد یافت. کارگری که در هزینه های سرسام آور امروزی زندگی مانده و تورم افسار گسخته کمرش را خم کرده چگونه می تواند بیشترین بازدهی را داشته باشد؟ مگر با انگیزه مضاعف که همان حمایت مالی است و دادن حقتش متناسب با زحمتش. امیدواریم که کارفرمای محترم در تصمیماتی که برای شرکت و کارگران می گیرد از نظرات افراد صاحب نظر شاغل کارگر که کم هم نیستند بیشتر بهره ببرد، تا شاهد ناهماهنگی و تصمیمات غیرکارشناسی و شوک آور برای مجموعه نباشیم.

چوهفت تپه نباشد تن من مباد.

خادم همکاران عزیزم فریدون نیکوفرد

گزارش ارسالی یک کارگر به پیام سندیکا

درود به شما من می دانم با استبداد جنگیدن هزینه های فراوانی دارد و آن هم یک استبداد دینی . سال ها مردم به کهنه پرستی و خرافه پرستی سوق داده اند تا توانسته باشند مدتی کوتاه به چپاول و ظلم ادامه دهند. سندیکاها همه جا باید حضورفعال داشته باشند . من دارم ظلم را حس می کنم جلو چشمم هر روز گروه گروه کارگران در شرکت های پروژه ای چون ایران مال اخراج می کنند.

شرح کوچک از شرکت ایران مال و شرکت جانبی و زیر مجموعه اش. شرکت ایران مال متعلق به علی انصاری است در پشت پرده این شرکت یکی از این آقازاده بزرگ است. علی انصاری یک شرکت دیگری دارد به نام کیسون که شرکت ایران مال پیمانکاری را داده به کیسون. یعنی با خودش و این کیسون چهار صد بیست پنج شرکت پیمانکاری زیرمجموعه دارد. هرکدام از این ها یک یا دو تا پیمانکار زیر مجموعه دارند و خود این پیمانکارها کار را با پیمانکار دیگری قرارداد می بندد و حال در چنین شرکت های چند نوع قرار داد با کارگران بسته می شود

۱- کارگر روز مزدی ۲- کارگر پیمانکاری ۳- کارگرشرکتی. تمام قرار دادها سفید امضا می باشد و کارگر فقط باید امضا کند. دست کارفرما و پیمانکار کامل باز است کارفرما ها و پیمانکاران در متن قرارداد نوشته اند: «... که من تمام حق حقوق خودم گرفته ام و هیچ گونه ادعای ندارم» و کارگر باید امضا کند. این است قانونی که برجامعه کارگری حاکم است و تمام این کارگران که اکثریت شان شهرستانی و کشاورز می باشند هیچ گونه آگاهی به مسایل حقوقی خود ندارند. ولی یک جای امیدواری هست که همه شان از این وضع اسفبار فقر معترض هستند.

این گزارشی است برای رفقای سندیکا فرستادم امیدوارم که منتشر شود.

علی کارگر پروژه ای عسلویه

«طبقه کارگر»

وقتی صحبت از طبقه کارگر میشود. صحبت از طبقه ایست که زیر سقفی و بصورت مشترک چرخه تولید را بدست می گیرند..

تولید صنعتی شامل چند گزینه میباشد.

۱- سرمایه .

۲- طراحی

۳- ابزار تولید

۴- نیروی کار، کارگر»

کارگر صنعتی که در فرهنگ و ادبیات چپ، پرولتاریا نامیده می شود، طبقه ایست که بجز نیروی بازو و تخصص در کارش درآمد دیگری ندارد.

نه زمینی دارد که از آن بهره برداری کند و نه سرمایه ای ،،،،،

طبقه کارگر اگر به دانش مبارزات صنفی و مدنی آشنا گردد و به موقعیت حساس و کلیدی خود در روند تولید آگاه باشد، می تواند خواسته های خود را با مشارکت و اتحاد با طبقه خود به مورد اجرا گذاشته و به حقوق واقعی خود برسد و استثمارگران را وادار به پرداخت حقوق واقعی خود کند..

پس ابتدا باید طبقه کارگر به دانش صنفی و مدنی خود آشنائی پیدا کند

تا بتواند به مطالبات خود برسد ..

پیش بسوی دانش صنفی طبقاتی و مدنی ،،،،

اهورا کارگر قالبساز

نامه یک کارگر پروژه ای به نشریه پیام سندیکا

کارگر که بیکار نیست و با هزار زور و بدبختی کار کند بعد توی خرجی خونه اش بماند، اون وقت به دنبال آدرس خانه پیمانکار بگردد برای تسویه طلبش. تا کارگر از یه استان دیگه کار و خونه و زندگیشو ول بکنه بیاد دنبال آقای پیمانکار در یک شهر و استان دیگه. اگه ماشین تصادف کرد چه کسی بایستی جوابگو باشه؟... همین اتفاق در خراسان جنوبی شهرستان قاینات برای یکی از دوستانم بنام احد رضا زارع که اهل استهبان روستای خیر دستجرد بود افتاد، که برای طلبش از استهبان اومد. چند روز دنبال پولش و پیمانکار امروز و فردا میکرد تا آخرش این دوستانمون در خانه ای که خوابیده بود همتاها دچار گازگرفتگی شد و فوت نمود. مدیر عامل کارگاه هزار واحدی پروژه مسکن مهر، جناب محمد قربانی که برادر نماینده شهرستان هم بود زیر بار نرفت و گفت که اصلن زنده یاد احدرضا زارع از من طلب نداره و دستمزد کارگرا رو هاپولی و نوش جان کرد. همین جناب قربانی دزد در جشن گلریزان شهرستان قاینات مبلغ ۵ میلیون تومان برای زندانیان پیشکش نمود و این فقط ریاکاری بوده و هست. اگر عرضه و شرف داشت که پول کارگرا رو میداد. اگه بخوام از بی شرفی اون بگم خیلی مسایل هست که واقعن گفتنشون در جهت مسایل کارگری بسیار راهگشاست.

زنده یاد حسین اشرفی دوست بزرگوام که پارسال شهریور ۱۳۹۶ بعنوان نصاب استراکچر از ارتفاع به پایین پرت شد و فوت نمود هم ازسال ۸۸ تاکنون از همین محمد قربانی طلب داشت که دیگه قید پولشان را زدند. جناب جمشیدی بچه ایزه و جناب یاراحمدی که بروجردی بودند وقتی رئیس دولت جناب احمدی نژاد به قاینات خراسان جنوبی آمد آنها پلاکاردهایشان بالا گرفتند و نوشتند که ما از مدیر عامل مسکن مهر پروژه هزار واحدی طلبکاریم و پولمان را می خواهیم. دار و دسته و اوباش قربانی آن دو نفر را زیر مشت و لگد گرفتند و.....

ما همه نوع آدمهای دزد و حق خور دیده ایم و امید آن را داریم که با اتحاد و همبستگی و جسارت خویش روزی برسد به این دلال بازیها پایان بدهیم.

فقط سندیکا می تواند حق کارگر را بگیرد و سلام

جواهریان کارگر پروژه ای

در صندوق بازنشستگی آینده ساز چه خبر است؟؟

دوستان و همراهان عزیز تا امروز هر چه تلاش شد تا مشکلات اعضا حل شود متأسفانه نشد و این آقایان تنها به منافع خود فکر کرده و با وعده های دورغین و فرار به جلو تمامی ما اعضا را ساده لوح فرض نموده اند، در نتیجه سعی می کنیم به طور منسجم و با مستندات نسبت به افشای فساد این افراد اقدام نموده و حقایق را روشن می نمایم و با تمامی توان برای اقدامات عملی جهت مبارزه با افراد فاسد برنامه ریزی و گام برخواهیم داشت.

با توجه به تخلف اخیر صندوق مبنی بر عدم پرداخت بن ماه رمضان ، دوستان باید آگاه باشند بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه صندوق یکی از وظایف هیات امناء تصویب ارائه خدمات درمانی و جانی و مشارکت در تامین رفاه و حوائج عمومی اعضاء بازنشسته، ازکارافتاده و بازماندگان اعضاء متوفی در چهارچوب خط مشی تعیین شده توسط شورای عالی می باشد. در نتیجه در سنوات گذشته براین اساس بن ماه رمضان به عنوان یکی از کمک هزینه های پرداختی صندوق به اعضا قرار گرفته و عدم پرداخت آن در سال جاری تخلف صریح رئیس کل و هیات امناء می باشد که باید با هماهنگی نمایندگان بطور قطع به این موضوع در جلسه شورای عالی رسیدگی شود.

در خصوص مشکلات درمان، برخلاف اعلام امورمستمری بگیران مبنی بر حل مشکل عدم پرداخت هزینه های درمانی و صدور معرفی نامه باید به اطلاع برسائیم، از بیمه پارسیان تحقیق شده و متأسفانه صندوق بیش از ۲۰ میلیارد تومان به بیمه پارسیان بدهکار است و به همین دلیل قرارداد صندوق تعلیق شده که آقایان روسا با دادن ۲ میلیارد تومان یعنی تقریباً ۱۰ درصد از بدهی صندوق تا پایان خرداد ماه از بیمه پارسیان مهلت گرفته اند تا بدهی را پرداخت کنند اما با این وجود هم هنوز هزینه های اعلامی افراد پرداخت نشده است. موضوع مهم اینجاست که حق بیمه درمان که از سالیان گذشته ۱ درصد و طی حدود ۴ سال اخیر ۲ درصد از واریزی های اعضا بوده و می بایست صرف موضوع درمان می شده در کجا هزینه شده و چرا مبلغ پرداختی بیمه پارسیان که ظاهراً ماهانه ۱ میلیارد تومان بوده نزدیک ۲ سال پرداخت نشده است!!!!!! این موضوع هم از تخلفات هیات امناء و رئیس کل صندوق است که باید رسیدگی شود.

دروء به کارگران صنایع فولاد اهواز و ننگ به دزدان و وطن فروشان

این روزها حال همه ما کارگران خراب است و خشم و نفرت همچنان در چهره هایمان نمودار. برای پایان بخشیدن به دلالی و دزدی های سوداگران باید برنامه ریزی کنیم. همان سوداگرانی که نان از سفره هامان ربوده اند و بجای پاسخ دادن به درخواستهای کارگران سرزمینم که در صنایع فولاد اهواز در رابطه با پایمال شدن حقوقشان زبان به اعتراض گشوده بودند چوب و چماق خویش از نیام برآورده اند تا همانند دوران فئودالیتة ارباب رعیتی، چهره کریه خودشان را ابراز دارند و با ژستی طلبکارانه صدایشان بلند نمایند و چماقشان بر گرده های مردم پیشکش بنمایند

آنها نمی دانند و نمی خواهند بدانند که کارگران نمی خواهند زیر بار دروغ و نکبت ورزیهای مثنی پادو و دلال دزد که هیچ نقشی در تولید و رونق اقتصاد مملکت ندارند سر خم بنمایند. آنها نمی دانند که هر توپ و تشری به کارگران حواله بنمایند خشم و نفرتی عمیق از جانب آنان به سوی خودشان حواله می نمایند. آنها چگونه به خود اجازه می دهند که کارگران باجسارت و مطالبه گر فولاد اهواز را حکم دستگیری و بازداشت بدهند؟ مگر آنها قضاوت و دادگستری را در جهت منافع چپاولگران می دانند یا در جهت مطالبه گری حقوق مردمان این سرزمین؟ آیا می دانند که با این احکام قضایی که صادر می نمایند چگونه خانواده های کارگران را به غل و زنجیر می کشانند و فقر و تیره روزی بیشتر را برای آنان به ارمغان می آورند؟ آیا به جز این هست که شما حکم صادر کنندگان که ادعای دفاع از امنیت ملی می نمایید با اینگونه کارکرد نابکاران، امنیت را از خانواده های کارگران سلب می نمایید و تمام قد در خدمت دفاع از کارفرمایان دلال گام برمی دارید تا آنان بیشتر از پیش به سفره های مردم هجوم ببرند؟ شما در واقع جاده صاف کن آنان هستید تا از سود چپاولگریهایشان، انعامی هم به شما خوش خدمتان برسد. اگر سخن تان این هست که شعارهایی دور از مطالبه گری و ساختارشکنانه داده شد باز هم

به کارگران صنایع فولاد حق می دهیم که شما را و تمامی دروغها و ادا و اطوارهایتان را به چالش بکشانند، مگر آنها به غیر از درست شدن شرایط حقوقیشان و اینکه بیمه تامین اجتماعی در زمان مناسب خود پرداخت بشود و اینکه دستمزدها سر برج داده بشوند دیگر چه می خواهند؟ دامنه این اعتراضات در اسفند ماه گذشته به اوج خود رسیده بود، اکنون بگویید که چرا و چگونه به خود اجازه می دهید که چنین شرایط ناگواری بوجود بیاید تا وارد به استخوان برسد و کارگر مجبور شود اعتصاب و اعتراض بنماید و شما که نگران از سود سهام خود در بانکهای رباخوار هستید و می ترسید که معادلات حساب و کتابتان بهم بخورد به ناچار بدنبال یافتن راهی برای فرونشاندن اعتراضات کارگری می گردید تا برجسبی با عنوان اغتشاش بر علیه امنیت ملی به آنان بچسبانید.

این شیوه و روشها دیگر کارساز نیست ؛ چرا که کارگران دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند و جسارت آنها روز به روز نمود بیشتری پیدا می نماید و حلقه های اتحاد و همدلی آنان روز بروز گسترده تر و گسترده تر می شود.

زنده باد جسارت و همدلی کارگران صنایع فولاد اهواز

**واریان خرمدین، عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک
ایران**

۱۳۹۷/۳/۲۶

۲۳ تیر سال ۱۳۲۵

روزی که کارگران خوزستان حماسه آفریدند

نفتگران جنوب از نخستین روزهای جنبش کارگری ایران همواره یکی از پیشگامان بوده‌اند و روز ۲۳ تیر سال ۱۳۲۵ در تاریخ مبارزات کارگری ایران یکی از روزهای فراموش نشدنی است. سال ۱۳۲۵ سالی است که تازه جنگ جهانی دوم با پیروزی بر فاشیسم به پایان رسیده بود. اگر بگوییم خوزستان در آنروزها در حقیقت مستعمره شرکت نفت انگلیس بود، راه دوری نرفته ایم. به راستی هم که شرکت نفت در آنزمان فقط یک شرکت استخراج و صادرات نبود، بلکه دولت مستقلی برای خودش بود که از شبکه تلفن تا پلیس اختصاصی خویش را داشت. این واقعیتی است که در آن روزها همه چیز در جنوب به ویژه در آبادان «درجه بندی» بود. از دستشویی گرفته تا باشگاه، از وسایل رفت و آمد تا درمانگاه، یعنی باشگاه انگلیسی‌ها، باشگاه ایرانی‌ها، اتوبوس انگلیسی‌ها، اتوبوس ایرانی‌ها و...

اما جریان به اینگونه شروع شد: مدتی قبل شرکت نفت در مقابل اعتصاب کارگران آغاچاری عقب نشینی کرد و وعده دستمزد روز جمعه را داد. تا آنزمان به کارگران و کارمندان بابت روز جمعه دستمزدی پرداخت نمی‌شد. اما پس از مدتی معلوم شد که شرکت نفت حاضر نیست که وعده‌های را که داده است، عملی کند. این بود که در روز ۲۳ تیر تمام نفتگران جنوب بعد از یک مهلت ۹ روزه، دست به اعتصاب زدند. دامنه اعتصاب سراسری، نفتگران آبادان، مسجد سلیمان، آغاچاری، دارخوین، کوت عبدالله، هفتگل، اهواز، بندر معشور (ماهشهر) و گچساران را در بر می‌گرفت. بیش از ۷۰ هزار کارگر و ۸ هزار کارمند ایرانی و هندی در این اعتصاب شرکت کردند. شرکت نفت استعمارگر که به کمک عوامل خود قبلاً زمینه چینی کرده بود، مشتاق عناصر ماجراجو و خود فروخته را که در به اصطلاح «اتحادیه

عشایر» لانه کرده بودند، به جان کارگران انداخت. این عناصر خود فروخته، اعتصاب آرام و حق طلبانه کارگران را به خاک و خون کشیدند. به مدت دو روز، خوزستان در آتش درگیری و هیجان می سوخت تا بالاخره با ورود نمایندگان دولت و نمایندگان «شورای متحده مرکزی کارگران ایران» اعتصاب پایان یافت. این اعتصاب اگرچه ۴۷ نفر کشته و صدها زخمی و تبعیدی و زندانی به جای گذاشت، اما نمایش باشکوهی از وحدت و همبستگی کارگران بود. ۲۳ تیر نشان داد که کارگران ایران به آن درجه از آگاهی و سطح بالای تشکل دست یافته اند تا بتوانند یکپارچه و متحد به حرکتی هدفمند و منضبط دست بزنند.

همچنین نفتگران مبارز اثبات کردند که استعمارگران انگلیسی مجبورند زحمتکشان ما را در محاسبات خود به حساب بیاورند. امری که تا آن زمان بی سابقه بود. به علاوه طبق دستور نخست وزیری قرار شد که از ۸ جمعه قبل از اعتصاب، دستمزد روز جمعه نفتگران و از همان تاریخ، کسری پرداختی کارگران بر مبنای حداقل دستمزد پرداخت شود.

به این ترتیب کارگران با وحدت و همبستگی خود، استعمار و ارتجاع را وادار به عقبنشینی کردند.

گرامی باد یاد همه مبارزان و شهدای جنبش کارگری

خ آوایی بافنده

تأثیر پول کثیف بر روابط اجتماعی

من آخرین فرزند پدر و مادرم بودم. پدرم کدخدای ده بود و از کودکی شاهد بودم که خانه ما مرکز جار و جنجال و حل و فصل اختلافات روستایی هاست. از اختلاف زن شوهر گرفته تا اختلافات مالی و بعضن ملکی. اغلب اختلافات با کدخدا منشی حل میشد، ولی بعضی وقتها کار به شکایت و ژاندارمری کشیده می شد. ژاندارم ها برای روستائیان هیبت و هیات ترسناکی داشتند، ولی برای پدرم نه. او واقعن روی ژاندارمها قیمت گذاشته بود، میدانست کدامشان با چه میزان رشوه ماجرا را به مسیری که کدخدا می خواست می برند. مشاهده این تجربه ها، رشوه دادن به مامور دولت را برای من بصورت یک امر عادی درآورده بود، و ترسی از این امر نداشتم. پدرم کدخدای ناخلفی بود چون خودش رشوه نمیگرفت، به همین دلیل رعیت مانده بود ومایملکی نداشت.

پدر فوت کرده بود و یتیم شده بودم.ایشان خودش، حرفه خیاطی را برای من انتخاب کرده بود، و حتا قبل از مهاجرت به تهران برادرها اصرار داشتند که من درس بخوانم ولی ایشان می گفت با خیاطی هم میشود ارباب شد، همانطورکه مقیمی شد. مقیمی خیاطی بود که واقعن ارباب شده بود شاید فقیر بودن و مریض بودن پدرم دلیل انتخابش بود.

جلالیه میدان اسب دوانی بود. شمال بولوار کشاورز که بعدها پارکی شد بنام "فرح" و حالا پارک "لاله" شده. میدان اسب دوانی یک بنای بزرگ قسمت غربی داشت

که ساختمان اداری، محل نمایش اسبها و محل بلیط فروشی بود. در پیشانی ساختمان سکوی تماشاچیان روبه شرق داشت. سه طرف دیگر سیم خاردار، زمین و پیست اسب دوانی را محصور می کرد. هر طرف سیم خاردارها یک پاسبان گذاشته بودند. من از پاسبان پرسیدم: «سرکار بلیط اینجا چنده؟» گفت: «اونجا دو تومن اینجا یه تومن» گیشه را نشان داده بود. گفت: «یه تومن بده من سیم خاردارا می گیرم بالا عین بز مجه میری اون ور سیم» گفتم: «پنج زار بیشتر ندارم» گفت: «بده» یه فحش هم داد، و سیم را بلند کرد و من رد شدم. مسابقه ها را تماشا کردم. چند نوع کورس بود، هزار متر به بالا. اینجا شمالی ترین نقطه تهران بود و بقیه زمین بود و بعضی زمین کشاورزی تا شمیران، دولت، قلهک، تا تجریش...

لوزه هایم عفونی شده بود. هر بار سرما می خوردم خیلی عذابم می داد. حالا بیست ساله شده بودم و فعال سندیکا. رفتم بیمارستان شفا یحییان، زنده یاد دکتر نیک نفس معاینه کرد. گفت: «از آقای مراد نوبت بگیر عملت کنیم» یک نفر از دوست هایم تمام این مسیر را رفته بود و حسابی راهنماییم کرده بود. مراد را پیدا کردم، نوشته دکتر را نشان دادم. گفت: «دو ماه دیگه نوبت عملت میشه» پنج تا یک تومانی^۱ سر دادم توی دستش. گفت: «پس فردا بیا عمل میشی» بعد از عمل، دکتر نسخه را داد دستم. وقتی آمدم توی بخش و برادر و مادرم آمدند، برادرم گفت: «نسخه را بده برم بگیرم» با اشاره گفتم: «لازم نیست» نوشتم، مراد را صدا کنید. نمی توانستم حرف بزنم. مراد آمد نسخه را به او دادم. بعد از چند دقیقه داروها را آورد و به پرستار هم سفارش کرد که آمپولهای ایشان را سر وقت تزریق کنید.

راهنمای من گفته بود پول نسخه در داروخانه سی تومان میشه، اما مراد با پانزده تومان همون داروها را بهت میده. البته مراد از من شانزده تومان گرفت. از راهنما پرسیده بودم: «مراد دارو ها را از کجا میاره که ارزون تموم میشه؟» گفته بود: «از مریض ها میدزده!» خوب شدم و آمدم سرکار. دوستی که من را راهنمایی کرده بود با همین سبک و سیاق زندگی کرد و حالا مالک بزرگترین نمایشگاه اتومبیل ایرانیه. با آخوند های قم بند و بست داشت. ماشین گران قیمت اروپایی وارد می کرد و حالا توی خیلی از شهرهای دنیا ملک داره. اولین خانه ای که خرید، توی وین بود.

بعد از رفع دوره نقاهت، رفتم سرکار. شب هم رفتم سندیکا. صادق سجادی طبق معمول بذله گویی می کرد. این سجادی با سجادی دهه شصت سندیکا فرق دارد. حالم را پرسید. گفتم خوب شدم و داستان و چگونگی عمل لوزه را براش تعریف کردم. گفت: «تو رستگار شدی. تو راه زندگیت را پیدا کردی. مثل ما هالو نیستی که داریم تو سندیکا عمرمونا تلف می کنیم» شوخی می کرد و شوخی هایش تند بود. امیر عمر آمد. صادق گفت: «بیا رفیقت خوب شده اومده» به من گفت برا امیر تعریف کن همه داستان را. من با من من و تردید گفتم. حال امیر بد شد. جوری به من نگاه می کرد که انگار جنایت کرده ام. داشتم حسابی فرو می ریختم. امید داشتم صادق به دادم برسه. صادق گفت: «برا هیات مدیره هم تعریف کن، اصلن تو جلسه هفتگی و جلسه عمومی بیا تعریف کن. بزار همه یاد بگیرند راه میان بر را» التماس کردم کردم که موضوع بین خودمون بمونه. امیر گفت: «فردا بیا پیش من»

رفتیم. امیر عمر تاثیر "پول کثیف بر روابط اجتماعی را بازکرد، اینکه پول در جوامع تازه تاسیس کارکرد قوی داشته، اختراع پول به عنوان مقیاس عمومی، ارزش کارکرد بسیار موثری در تبادل کالا داشته. امیر شرح مفصلی از تاریخ رشوه را برایم تعریف کرد، که: «اولین رشوه ها را انسانهای ما قبل تاریخ به توتم هایی که باور داشتند در سرنوشت آنها نقش دارند می دادند. آنها بخشی از داشته هایشان را به معابد خدایان هدیه می کردند، که از "بلا" محفوظ بمانند و کاهنانی که نگهبان بت ها بودند این هدایا را مصرف می کردند، و با مازاد آن قدرت می خریدند. یعنی نیروی سرکوبگر را به خدمت می گرفتند، یا مبلغانی تربیت میکردند که راجع به قدرت خدایان رشوه خوار و عظمت آنها مدیحه سرایی کنند. کاهنها بتدریج به خدم و حشم و قدرت عظیم رسیدند. اقوام گوناگون برای تصاحب گنجینه هایی که خدایان یا درحقیقت کاهنان به دست آورده و انباشته کرده بودند به اقوام همسایه یا دورتر رفته و جنگهای خونینی کردند، تا آن جواهرات قیمتی را غارت کنند. جنگهای صلیبی مشخص ترین نشانه آن است. یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در اورشلیم زیارتگاه داشتند و هر ساله از نقاط مختلف جهان هدایای گران قیمت به معابد این سه مذهب سرازیر می شد. انباشت این هدایا یا رشوه هایی که مومنین به این معابد داده بودند، لب ولوچه شوالیه های اروپایی را آب انداخته بود. آنها پرچم مبارزه با کفر، یعنی مسلمانان را بر افراشتند و "زیر صلیب مسیح" جوانان و نوجوانانی را سازماندهی کردند که برای نان شب می جنگیدند. آنها با هر بار پیروزی غنائم را بار می کردند و می بردند و جوانان صلیبی اسیر می شدند. اسارت هزاران ساله قوم یهود توسط مصری ها، بابلی ها، عربها، خلیفه گری عثمانی، ریشه

اش ابتدا در غارت معابد و بعد از آن بردگی گرفتن از یهودیان بود. پس پول کثیف و رشوه دادن به خدا توانست این همه فجایع به وجود بیاورد. هالوهایی مثل تو هدیه دادند، به خدا و بنده خدا برای اینکه کارشون راه بیفته. دستگاه دیوانی و اداری ما توسط فودالها چینش و پردازش شده و این پردازش نه براساس لیاقت، که بر اساس رابطه، و رشوه شکل گرفته. پول کثیف، پلیس کثیف، قوه قضاییه کثیف، نظام ودولت کثیف، نظام پزشکی کثیف و حتا اتحادیه کثیف، بوجود میاره...»

جیغ من در اومد که: «لابد تمام این کثافت کاریهای تاریخی تقصیر من بوده...» امیر گفت: «نه احمق جان تو فقط بخشی از کثافت دنیای سرمایه داری را توی کله پوکت حفظ کرده بودی، که شاید بتونیم از ذهنت پاکش کنیم» پرسیدم: «حالا چرا اتحادیه‌های کثیف؟؟؟» امیر درباره اتحادیه های کارفرمایی و سرمایه داری و گردش پول در جامعه سرمایه داری، بوجود آمدن انحصارات بارشوه کارتلها و تراستها، سرانجام دولت امپریالیستی را که با پول کثیف به وجود آمده اند را توضیح داد. من گفتم: «مگر این پول کثیف روی اتحادیه های کارگری اثر گذار نبود؟؟؟» امیر گفت: «چرا اتحادیه های کارگری هم اگر تنها به مبارزه اقتصادی متکی باشند امکان خطا وحتا فاسد شدنشان هست. همین اتحادیه های زرد بودند که در آمریکا به آیزنهاور رای دادند. همین اتحادیه های زرد انگلستان بودند که در شرایط رفاه حزب کارگر، انگلستان را تبدیل به یک تشکیلات سرمایه داری کردند. همین روزها اگر هیات مدیره سندیکا در مقابل پیشنهاد رشوه شرکت نفت وسوسه شده بود چه بلایی سرمون می آمد؟؟؟»

شرکت نفت برای دوخت لباس کار با چند نفر خیاط قرار داد بسته بود. محلی را در پالایشگاه در اختیار آنها قرار داده بود. آنها سه سال کار کرده بودند. طرح دوخت لباس کار در محل پالایشگاه تغییر کرده بود و آنها را بدون پرداخت کوچکترین مزایا اخراج کرده بودند. سندیکا مداخله کرده بود. بچه ها از پس وکلای شرکت نفت برآمده بودند) اونا پیشنهاد یه رشوه دندون گیر کرده بودند و سندیکا زیر بار نرفت حتا نزدیک بود آقای " بستچی " وکیله را بزنه. کارگران تونستن به حق خودشون برسند.

رهبری سندیکا با پیشنهاد صادق و امیر تصمیم گرفتند آموزش اقتصاد سیاسی را از نو شروع کنند. از سالهای اول تشکیل سندیکاهای مستقل، آموزش اقتصاد هم شروع شده بود، ولی ساواک روی این آموزش حساس بود و سندیکاها هم این آموزش را از حالت علنی خارج کرده بودند. این بار کلاسها تحت نام کلاس کادر یا آموزشهای سندیکایی شکل گرفت و کلاسهای خوبی هم شد. با تجربه های دهه سی آقایان جعفری وعظیمیآموزش را شروع کردند و جوانتر ها که خوره کتاب بودند، ادامه دادند. کتاب اقتصاد به زبان ساده ترجمه زنده یاد عبد الحسین نوشین، کتابی بود که بصورت نیمه علنی مطالعه می کردیم، و در جمع فعالین به بحث گذاشته می شد. اصول مقدماتی فلسفه آموزش " ژرژ پولیتسر " در دانشگاه کار فرانسه بصورت فشرده ترجمه شده بود و بصورت نیمه علنی بین ما می چرخید و گاهی روی مطالب آن که برای ما بسیار پیچیده بود، با همفکری و کاوش بیشتر به درک نصفه نیمه می رسیدیم**رضا کنگرانی فراهانی ۱۵ خرداد ۹۷**

زلزله زدگان کرمانشاهان را دریابیم!



حال که آنها با تمام مشکلات و سختی ها به حال خود رها شده اند، لااقل برای آنها دعا کنیم شاید مستجاب شد. البته ملت ایران آنچه از دستشان آمد دریغ نورزیدند و در روزهای اول که مردم زلزله زده در شوک عمیقی فرو رفته بودند مردم به دادشان رسیدند و مرزهای قومی، منطقه ای، زبانی و مذهبی را درنوردیدند و ثابت نمودند ارق ملی و احساس مسئولیت در مقابل هم میهنان هنوز رنگ نباخته است. زلزله زدگان نیز قدردان این همه بذل توجه بودند .

با این وجود پس از گذشت سه فصل از زمان زلزله، وقتی به شهرسرپل ذهاب که بیشترین آسیب را دیده بود و یا روستاهای زلزله زده می روی پیشرفت فیزیکی زیادی درخصوص بازسازی مشاهده نمی کنی. خیلی ها خانه های آنها نه کاملن تخریب شده و نه جرأت تعمیر آن را دارند، زیرا می دانند با زلزله های نه چندان شدید جانشان درخطر است و با مبلغ خسارتی که به

عنوان تعمیر می گیرند نمی شود خانه را به جای امنی برای سکونت تبدیل نمود. تعداد زیادی هم با اینکه منزل آنها تخریب شده و خسارت بازسازی به آنها تعلق می گیرد اما نه مبلغ خسارت و نه مبلغ وام برای خانه سازی کافی نیست و اکثر مردم هم شغل و کاسبی و کار خود را از دست داده اند و چیزی در چنته ندارند که با آن خانه بسازند.

کسی را می شناسم که با تشخیص کارشناسان خانه اش قابل تعمیر است، اما خانه ی همسایه آنها تخریب شده است که صاحب آن اقدام به گود برداری می نماید و منزل ایشان آسیب بیشتری می بیند و به هر کجا مراجعه می نماید گفته می شود همسایه شما هم خودش زلزله زده است و چیزی برای پرداخت خسارت به شما ندارد. حالا او مانده با حقوق کارمندی جزء و سه جوان بیکار در خانه، همسرخانه دار، یک دانش آموز مدرسه رو و خانه ای که باید تخریب شود و جیب خالی و خسارتی که به او تعلق نمی گیرد. تازه به قول بعضی از زلزله زده ها شرایط پرداخت خسارت نسبت به اوایل سخت گیرانه تر شده وعده ای وعده هایی که به آنها داده شده عملی نگردیده است .

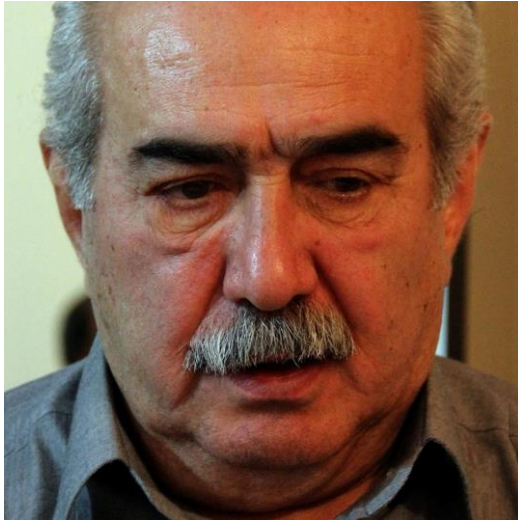
من خودم از روستای ویله بیونج از توابع شهرستان دالاهو دیدن نمودم، هنوز خانه ای ساخته نشده است و دیواری بالا نرفته است باسنتهای دو واحد که آنها صاحبان آنها در شهرهای اطراف از منبع درآمدی بهره مندند و شخصن اقدام به بازسازی خانه های خود کرده اند. بعضی از ساکنین این روستا برای دومین بار با پیمانکار قرارداد منعقد نموده اند و پیمانکار به بهانه اینکه مصالح گران شده است و با آن شرایط متحمل ضرر می شود به تعهد خود عمل ننموده است. مردم روستا هم میگویند ما چه گناهی داریم؟! آنموقع که مصالح ارزانتر بوده و پیمانکار طبق قرارداد شروع به کار نکرده و قرارداد خود را زیرپا گذاشته است. تمام خانواده هایی که هنوز شروع به بازسازی منزل خود ننموده اند تقریباً با شرایطی این چنینی روبرو هستند.

مشکلاتی که زلزله زدگان با آن روبرو هستند، تیتروار بدین قرار می باشد:

۱- مبلغ ناچیز خسارت و وام برای بازسازی و جیب خالی مردم بیکار. ۲- عمل نکردن بعضی پیمانکاران به قراردادهای خودبه بهانه گران شدن مصالح. ۳- پرداخت مبلغی ناچیز در مقابل هزینه های تعمیرات ساختمان و نالیمن بودن خانه های ترک خورده و آسیب دیده در آینده. ۴- درصد بالای بیکاری و بی درآمدی در منطقه که توانایی تغییر در شرایط سختی که با آن روبرو هستند را از آنها گرفته است. ۵- مشکلات روستائیان مضاعف می باشد، از جمله تغییرات جوی و کاهش محسوس تولیدات کشاورزی و افزایش آفات، امراض و در نتیجه کاهش درآمد و از طرف دیگر نیا ر روستائیان به زیربنای بیشتر برای سکونت افراد و محلی برای نگهداری احشام و انباردان و علوفه که در نهایت بدهی و فشار فراوانی را برای آنها به ارمغان می آورد. ۶- تعداد قابل توجه پیمانکاران غیربومی که باعث گردیده کمتر از نیروی کار بومی استفاده نمایند. ۷- مشکلات بهداشتی و رفاهی بر مشکلات دیگر افزوده شده است از جمله گرد و خاک ناشی از خاکبرداری. تخریب خانه ها بعلاوه ریزگردهای موجود در هوای منطقه که این مورد سالیان زیادی است که خود عرصه را بر مردم این مناطق تنگ نموده است و هوای گرم تابستان خصوصن در مناطق گرمسیری مانند سرپل ذهاب و قصرشیرین و روستاهای تابعه.

با این اوصاف مردم مناطق زلزله زده با شرایط بسیار سختی دست و پنجه نرم می کنند و نیاز به توجه ویژه دارند و نیاز به مسئولینی که شرایط آنها را درک کنند و اراده ای که در جهت تقلیل آلام آنها عمل نماید. در غیر این صورت آینده ای روشن برای زلزله زدگان کرمانشاهان قابل تصور نیست .

"محمد اکبری"



نمی خواهیم

نه ، نمی خواهیم

و می گذریم

از هر چه که شما!...

*

ومی خوانیم

نان را و آزادی را

و دوست داشتن را

که لفظ شما نیست.

*

و می پوییم
تا آن کجا که هستی
تقسیم میشود و عشق...
*

و می سراییم
لبخنده ها را
که باب شما نیست.
*

و می مانیم
درخانه ای که ویران است
و می سازیم
این جا را
که مال شما نیست.

محمد خلیلی شاعری از تبار طبقه کارگر



باید در هر مجال کار گفتگو کنیم

هیچ جادویی-

نجات مان نمیدهد؛

تنهابه گفتگو!

آموخته میشویم

پیوسته میشویم

یخِ حنجره هاماں باز میشود؛

در عمل متحد-

همبسته میشویم

«فلزبان»



هوا گرمه می یاری در بیجارای
پوشتاً آفتاب زنه دیل بیقرارای
بوشو ابرای بوگو وارش ببارای
می یاری طاقت گرمی ندارای

بهمن فرخی

از هر ۱۰ نفر فقیر در جهان ۶ نفر زن هستند!

با وجود بسیاری از توافقاتنامه‌های بین‌المللی که برابری حقوق انسان‌ها تاکید دارد، هنوز زنان نسبت به مردان فقیرتر و دارای تحصیلات پایین‌ترند. همچنین زنان دسترسی کمتری به مالکیت، اعتبار، آموزش و اشتغال دارند و آنها به مراتب کمتر از مردان از نظر سیاسی فعال و بیشتر از آنها قربانی خشونتند.

نابرابری‌های اقتصادی همچنان باقی می‌ماند چرا که بسیاری از کارهای بدون مزد در خانواده‌ها و جوامع بر دوش زنان است، و زنان همچنان تحت تبعیض در عرصه اقتصادی قرار می‌گیرند.

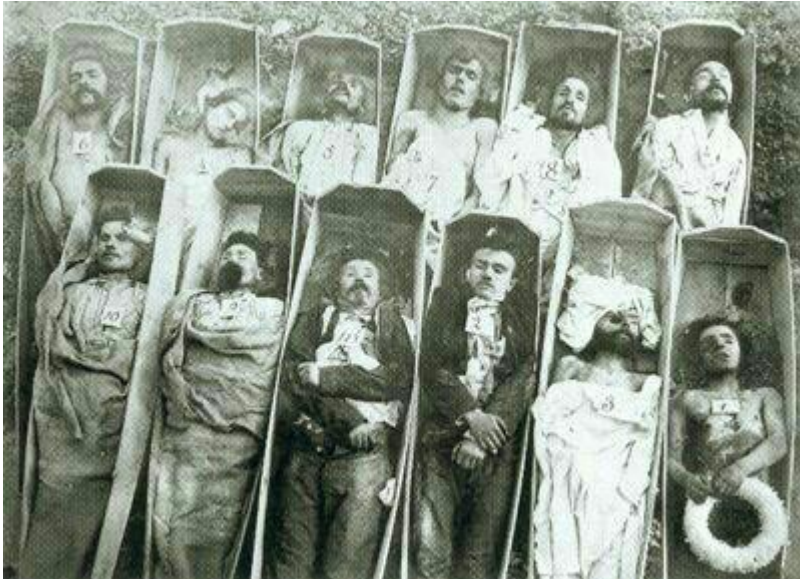
همچنین در سطح جهانی مردان بیشتر از زنان قدرت سیاسی و حقوقی را در دست دارند و تنها ۲۲ درصد از نمایندگان مجلس کشورهای مختلف جهان زن هستند و قوانین علیه خشونت خانگی اغلب به نمایندگی از زنان اعمال نمی‌شود.

حدود دوسوم از بزرگسالان بیسواد جهان را هم زنان تشکیل می‌دهند. به اضافه این که دلایل اجتماعی و روانی نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان نسبت به مشکلات بهداشت باروری آسیب پذیر هستند. در مجموع، عوارض بارداری و یا زایمان دومین عامل مرگ زنان در دوره باروری است.

صندوق جمعیت سازمان ملل اعلام کرده از هر ۱۰ نفر فقیر در جهان ۶ نفر زنند! برابری جنسیتی مستلزم توانمندسازی زنان با تاکید بر شناخت و جبران نابرابری قدرت و دادن استقلال بیشتر به زنان برای مدیریت زندگی خود است. نقش‌هایی که زنان و مردان در جامعه برعهده می‌گیرند، به صورت بیولوژیکی به آنها داده نشده است؛ بلکه این نقش‌های اجتماعی، در حال تغییر و تغییرپذیرند و اغلب این نقش‌پذیری توسط فرهنگ، مذهب و در زمان و مکان تغییر می‌کند.

برابری جنسیتی تنها زمانی به دست می‌آید که زنان و مردان فرصت برابری در همه حقوق و وظایف زندگیشان و تقسیم برابر در توزیع قدرت و نفوذ و فرصت‌های برابر برای استقلال مالی، آموزش و پرورش و تحقق آرزوهای شخصی خود داشته باشند

هفته خونین کمون پاریس ماه



زنده نیستیم ، اما

در آنچه رویش را می‌پرورانیم ، راه می‌سپاریم

و دیگرانی که هم چنان پیکار میکنند

گل های سرخ دیگری خواهند آفرید

هفته خونین کمون پاریس ماه

May ۱۸۷۱

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

دقایقی صحبت با یک گدا

در کارگاه تنها بودم برق رفته بود. چایی را دم کردم منتظر بودم. مردی میانسال وارد شد ، و دعا کنان تمام کسانم را بیمه کرد. به تمام آرزوهایم رسیدم . دعاهایم قبول شد. به مال و منال رسیدم . البته با درخواست ایشان.

گفتم : « بیا بشین یه چایی بخور . این همه بمن ثروت و خوشبختی خواستی چرا بخودتت نمی خواهی ؟»

گفت : « پس چه بگویم درآمد ما هم از این حرفهاست دیگه».

لباس فرم گدایی پوشیده بود . خیلی هم در کارش وارد بود. درآمدش چند برابر من می شد.

گفتم: «من کسی که دست باز کنه ریالی نمی دهم اگر خواستم کمکی بکسی بکنم . می دانم به کی بدهم. اما یک سوالی دارم اگر راست بگید حتماً کمکت خواهم کرد».

کمی سکوت کرد به این طرف و آنطرف نگاه کرد . گفت : «خدا بر پدرم لعنت کند هر روز هزار بار «مین تسبیح»

پرسیدم: « شما بر پدر همه رحمت می فرستی به پدر خودت لعنت چرا؟؟»

گفت: «ما در روستایی زندگی می کردیم برای خودمان باغ و زمین و گاو..... داشتیم. روستا خیلی پر آب و پر درآمد بود . اگر درست مدیریت می شد غیر از روستای خودمان به چند ده هم می توانستیم کمک کنیم . روستایی ها یک اشتباه بزرگی کردند . پدرم که در امور کارهای ده اصلا اطلاعاتی

نداشت یعنی عرضه اشو نداشت. سواد کدخدایی نداشت حتا خانواده خودش را نمی توانست مدیریت کند، کدخدا کردند. البته به درخواست عده ای سود جو. پدرم شد کدخدا. در یک بوته نشست کل درخت را تکان داد. در عرض چند ماه مردم روستا را با هم دشمن کرد. تمام روستاهای همسایه و غیره را با ده ما دشمن کرد. دعوای طالیفه ای درست کرد. زمانی اهل روستا چشم باز کردند دیدند اوضاع ده خیلی خراب شد. پدرم هم با پول مردم برای خودش چند نفر چماق بدست جمع کرده بود و کسی جرات نمی کرد کوچکترین حرفی بزند. چماقدارها می ریختند در خانه مردم. روستای ما به تمام بانکها بدهکار شد. به جای کار، مردم همیشه در دادگاهها و اداره ها وقت می گذراندند. خودش نماز و روزه نمی گرفت همیشه در هیات ها و مجالس آستین بالا می زد. با شیخ روستا دوست بود. خودش را پیش مردم با ایمان و مومن نشان داده بود. هر کسی هم حرفی می زد ورد زبانش این بود: «هیچ غلطی نمی تواند بکند» مردم روستا می گفتند: «باید فلانی از ده برود. فلان روستا دشمن ده ماست. حتی چند شهر بزرگ را هم می گفت دشمن ما هستند باید نابود شوند. خلاصه این وضعیت دوام نیافت. پدرم هم مرد. مردم ده، ما را هم بیرون کردند. ما هم کمی سرمایه داشتیم در شهر خرج کردیم حالا شدیم این !!!! از این هم بدتر خواهیم شد.

دو تا چایی خورد و کارگاه ما را ترک کرد.

کازیم عاشقی



ریحانه آرانی دختر پرتابگر ایرانی توانست در رقابت‌های دو و میدانی قهرمانی جوانان آسیا با کسب مدال برنز در رشته پرتاب چکش نخستین مدال تاریخ این رشته زنان را برای ایران کسب کند.

آفرین بر زنان قهرمان ایران!



زنده باد دیپلماسی صلح آمیز

میشود با هرکس پشت یک میز مذاکره نشست و منافع
کشورت هم مد نظر داشته باشی ..

بازی برد - برد بسود طرفین در دنیای سیاست بوده و
هست با حفظ احترام متقابل...



مسئولیت زندگی بار سنگینی بر روی شانه های كوچك !

۱۲ ژوئن برابر با ۲۲ خرداد روز جهانی «منع کار کودک»

بیش از ۲۱۵ میلیون کودک کار در سراسر جهان وجود دارند. در ایران این رقم به بیش از ۱/۵ میلیون نفر می‌رسد. متأسفانه آمار دقیقی در دسترس نیست.



سوار ماشین مسافرکشی می‌شوم. داخل اتومبیل از شدت گرما مجاله می‌شوم. چسبیده‌ام به شیشه و بیرون را نگاه می‌کنم. مسافران و مردمی خسته که در گرمای بعدازظهر بی‌اعتنا به هم و به اطراف راه می‌روند. اتومبیل پشت چراغ قرمز فاطمی ولیعصر می‌ایستد. از آن چراغ قرمزهای طولانی است. اتومبیل کنار حاشیه خیابان متوقف شده است. درست روبرویم روی لب‌جوب، پسرک کوچولوی بسیار زیبایی که به زحمت نه یا ده سالش می‌شود نشسته است. در دستش شیشه شوری است. سر شیشه شور گرفته و بند آمده. آب از آن خارج نمی‌شود. با تمام تلاشش می‌کوشد راه آن را باز کند. نوک آن را می‌مکد. با نوک تیز چوبی تلاش می‌کند راه آن را باز کند. به زمین می‌زند. توی آن فوت می‌کند. گه‌گاه سر بالا می‌کند و نگاهش به چشمان من می‌افتد که به او خیره شده‌ام. نمی‌بیند یا توجه نمی‌کند. دوباره سرگرم کار می‌شود. موتوری‌ها از کنارش رد می‌شوند. از همان یک وجب جا. و هر بار به او می‌گویند: «پسر جان مراقب باش» او اصلاً نمی‌شنود و همان کار را تکرار می‌کند. حالا سر شیشه شور را می‌گذارد داخل بطری و کمی به دسته‌اش فشاری می‌دهد. آهان! آب بیرون می‌جهد. سرش را بالا می‌گیرد. مرا می‌بیند که مشتم را بالا برده‌ام به این نشانه که آفرین درست کردی!. لبخندی چنان زیبا پهنه صورتش را فرا می‌گیرد، چشمانش چنان از نشاط و شادی برق می‌زند که جانم به سویش می‌رود...



یادی از دکتر سوکراتسِ فوتبالیست و پزشک فقرا

برزیل ۱۹۸۲ را برخی بهترین «تیم» تمام ادوار جام جهانی فوتبال می‌دانند. بازی‌های روح نواز و گل‌هایی زیبا که هرکدام مانند یک اثر هنری بودند. تیمی متحد که در قلب خط میانی‌اش جواهری داشت به نام دکتر سوکراتس. هافبک هجومی نابغه‌ای که جراحی ارتوپدی خوانده بود و در زمین بازی با اندام کشیده‌اش هرکاری که می‌خواست با توپ گرد می‌کرد. به او لقب چگوارای فوتبال داده بودند. اسم پسرش را فیدل گذاشت و دل‌اش در گرو جنبش‌های چپ آمریکای لاتین بود. آنارشویست ریشویی که هیچ‌وقت دنبال قهرمانی نرفت. هیچ‌وقت زیبایی فوتبال را فدای کسب افتخار و جام نکرد. هیچ‌وقت اسیر حرفه‌ای‌گری‌های فوتبال مدرن و تجاری نشد و در برابرش سر

تعظیم فرو نیاورد. در بیرون زمین آبجو می‌خورد و روح مست‌اش را به میان مردم می‌انداخت، و در زمین بازی سمفونی فوتبال می‌نواخت. او زمانی گفته بود «وقتی در زمین قدم برمی‌دارم، هیچ چیز جز همان لحظه و آفرینش کاری زیبا برای‌ام اهمیتی ندارد. من به میلیون‌ها مردم فرودستی فکر می‌کنم که با تمام حسرت‌ها و مصیبت‌های‌شان، چشم امید به ساق‌های من بسته‌اند. به مردمی که قدرت حرف‌زدن و ابراز وجود از آن‌ها سلب شده است».

او آخرین بازمانده‌ی نسلی بود که در سرآغاز سقوط فوتبال به گند و کثافت تجارت، لحظه‌هایی شورانگیز برای مردم‌شان خلق کردند. فوتبالی در هم تنیده به سیاست.

در روزگاری که به همراه رفقای کمونیست‌اش، تیم فوتبال باشگاه کورینتیانس را به تریبونی برای هجو و نقد دیکتاتوری نظامی بدل کردند. پیراهنی بدن اسپانسر با لوگوی کمپانی کوکاکولا که از پایین‌اش قطره‌های خون می‌چکید و یک کمون فوتبال با نام دموکرات‌های کورینتیانس.

به بازی زیبای برزیل در آن سال‌ها لقب ژوگوبونیتو داده بودند. اما ژوگوبونیتوی سوکراتس و رفقای‌اش هیچ وقت روی سکو نرفت. هیچ جامی نگرفت و تیم ملی‌شان در جام‌جهانی ۱۹۸۲ با مربی‌گری تله سانتانای افسانه‌ای، ناباورانه در برابر ایتالیا حذف شد. اما آن بازی تیمی روح‌نواز، آن ژوگوبونیتوی نبوغ آمیز و آن فوتبال گرم‌خورده به آه و حسرت‌های پابرهنه‌های برزیل برای سال‌ها در خاطره‌ها جاودانه ماند.

امین زرگرنژاد □



وقتی تیم برزیل را در فینال شکست دادیم و قهرمان جهان شدیم هم بازی‌هایم در تیم ملی آلمان دور زمین می‌رقصیدند و هلهله میکردند اما من سرسوزنی شاد نبودم...

راستش غمگین بودم چون ما امید بدهکارترین مردم دنیا را ناامید کرده بودیم و این وحشتناک بود. بازیکنان برزیل له و لورده بودند و به تلخی اشک میریختند. ما در آلمان همه چیز داشتیم. برجهای سر به فلک کشیده، بزرگراه‌های رویایی، اتومبیل‌های شیک، پاساژهای پررونق و درآمدهای سرشار. اما آنها هیچ چیز نداشتند جز فوتبال...

همبازی‌هایم را شبیه جانوران وحشی و درنده میدیدم که بالای سر شکار بی‌پناه خود شادی میکردند، ما دل مردم فقیری را شکسته بودیم...

شاید اگر آنها پیروز میشدند مردم برزیل حداقل همان شب فقر و غم‌های خود را فراموش میکردند...

هارولد شوماخر دروازه‌بان افسانه‌ای آلمان در دهه ۸۰ میلادی

می‌خواهم درباره‌ی یک لحظه‌ی بازی بنویسم. یک لحظه‌ی باشکوه.



پنالتی زده شده و بیرانوند - حالا - روبه‌روی ده‌ها دوربین و بیش هزارها چشم، توپ را در آغوش گرفته‌است. درست در همان لحظه - درست در لحظه‌ای که چشمان بیرانوند بسته است و توپ در آغوش اوست و پلک‌هایش می‌پرد - او آرام‌ترین آدم آن ورزشگاه است. پر صلح‌ترین آدم آن ورزشگاه. حتا شاید آن شهر. انگار که غلغله‌ی تماشاچی‌ها را نمی‌شنود. هیچ چیزی نمی‌تواند او را در آن لحظه بیدار کند. او میانه‌ی حساس‌ترین مسابقه‌ی تیم ملی ایران در جام جهانی فوتبال و در سرنوشت سازترین دقیقه‌های یک رقابت پراضطراب و در حالی که ناقوس جنگ علیه ایران به صدا درآمده، به خوابی ابدی فرو رفته‌است. خوابی طولانی و عمیق.

خدای من! چه صحنه‌ی عجیبی‌ست!

مدافع ایران سر رسیده و چند بار روی شانهِ بیرانوند می‌زند. معلوم نیست دست کیست. بیرانوند اما آن‌جا نیست!

جسمش اینجاست اما روحش انگار جای دیگریست. پلک‌های جسم از هیجان بازی می‌پرد اما بیرانوند آنجا نیست. روح او بر آسمان شهر سارانسک روسیه پرواز کرده‌است.

ما نمی‌دانیم او در آن لحظه کجاها رفته.

شاید به روستای سراب‌یاس لرستان رفته‌باشد.

یا به نمازخانه‌ی باشگاه نفت.

یا به چهارراه استانبول.

نمی‌دانیم با چه کسانی ملاقات داشته.

شاید با راننده‌های خطی جمهوری.

یا با بینزافروش خیابان منوچهری.

یا با رفتگری که چهارشنبه شب‌ها با او هم‌شیفت می‌شد.

روح او در آن لحظه‌ها هر جا هست و با هر کسی هم‌کلام شده - جسم را همین‌طور - به امان خدا - وسط هیاهو و غوغا - به آغوش مردم ایران سپرده و رها کرده‌است.

بیرانوند در آن چند لحظه متعلق به فضا و زمان دیگریست. او «واقعی» است. او این لحظه را پیش از این تمرین نکرده‌است. روح او دیگر آنجا نیست که جسم را بیدار کند و مثل دفعه‌های قبل بر توپ بوسه بزند. روح او اصلن شاید رفته آسمان تا از آنجا به آدم‌ها بشارتی از امید بدهد. بشارتی از زندگی. او بخشنده‌ترین وجود آن غوغاست! چه جایگاه باشکوهی.

ایمنی کار

از میان افشار کارگری که از استاندارد نبودن کارگاه ها در زمینه ی ایمنی قربانی های فراوانی داده، قشر کارگران ساختمانی ست. این کارگران که متوسط سوادشان از دیگر هم طبقه ای هاشان کم تر است مورد ستم چند وجهی قرار گرفته و می گیرند. اینان که از کودکی محرومیت را تجربه کرده و بار ها دوره کرده اند و حتی از ابتدایی ترین حق، که حق آموختن است محروم بوده اند. آسیب های فراوانی را از نبود ایمنی در کار متحمل می شوند.

حال که بیمه ی نصفه نیمه این قشر منوط به گذراندن دوره های آموزش فنی و حرفه ای در رشته های مرتبط با کار ساختمانی شده، لازم است تشکل های مستقل کارگری و نیز کارگران فعال این صنف، اداره کار و سازمان آموزش فنی حرفه ای را تحت فشار بگذارند تا علاوه بر آموزش ایمنی مربوط به هر رشته از کار ساختمان، زمینه های مادی ایمن بودن محیط کار را نیز تضمین کنند به این معنی که نظارت بسیار جدی بر ایمنی کارگاه های ساختمانی جریان داشته باشد و از کار در شرایط خستگی، کار در شرایط غیر ایمن و کار بدون لوازم ایمنی مورد نیاز جلوگیری شود و کارفرمایان و صاحبان کار در چنین مواردی مشمول جریمه های سنگینی شوند.

ایمنی در قانون کار - مطابق ماده ۸۵ قانون کار کلیه کارگاه ها و کارفرمایان، برای تامین بهداشت کار و کارگر و محیط کار موظف به رعایت دستورالعمل های حفاظت فنی شده اند و ماده ۹۱ همین قانون کلیه کارفرمایان و مسئولان واحدها را مکلف می کند که برای تامین ایمنی و سلامت و بهداشت کارگران در محیط کار، وسایل و امکانات لازم را تهیه و در اختیار آنان قرار داده و چگونگی کاربرد لوازم ایمنی را به آنان بیاموزند.

مبانی اقتصاد سیاسی نیکی تین، پیوترابوانوویچ (۲۲)

" فقر و تهی دستی عمومی - تنزل و انحطاط تجارت، کارهای دستی و هنرها، کاهش نفوس، افول شهرها و تنزل کشاورزی به سطح پایین تر، این ها نتیجه سیادت جهانی رم بود.

✓ در آغاز، شیوه تولید برده داری به رشد نیروهای مولد کمک کرد .

✓ تکامل بیشتر نیروهای مولد، موجب متلاشی شدن نیروهای مولد؛ شیوه تولید برده داری؛ گردید .

✓ روابط تولید مبتنی بر کار برده، در تکامل نیروهای مولد جامعه نقش ترمزی را ایفا کردند. کار بردگان، که به هیچ وجه بهره ای از ثمرات تولیدشان نمی بردند، مایه ی نجات خود آنان شده بود .

✓ ضرورت تاریخی جایگزینی روابط تولیدی دیگری به جای روابط تولیدی برده داری، به وجود آمده بود که وضعیت نیروی اصلی جامعه یعنی بردگان را تغییر دهد، با زوال لاتیفویاهای بزرگ که بر اساس کار برده متکی بود، خانواده های کوچک صاحب موقعیتی بهره زا تر و سود بیشتری شدند .

✓ تعداد بردگان آزاد افزایش یافت و در همین گیرودار، املاک بزرگ، به قطعات کوچک که به وسیله ی کانوس ها کشت می گردید، تجزیه شد .

✓ کلنوس دیگر برده نبود. او - زارعی که حق استفاده از قطعه زمینی برای گذاران زندگی به وی داده شده بود - مجبور بود در مقابل، مبلغی پول بپردازد یا در ازای آن، کار تولید کند .

✓ کلنوس مستاجر آزاد هم نبود .

✓✓ کلنوس وابسته زمینش بود و نمی توانست آن را ترک کند .

✓✓ کلنوس ممکن بود به انضمام زمینش به فروش برسد. کلنوس ها نیاکان
اعلای سرف های قرون وسطی بودند .

◆□ از دل نظام کهن برده داری، وجه تولید نوین زمینداری آغاز به شکل
گیری کرد.

✓□◆ با رشد و تکامل اقتصاد برده داری، مبارزه طبقاتی توده هایی که به
بردگی کشیده شده بودند، علیه ستمگران حدت و شدت یافت .

✓✓ آتش مبارزه ی طبقاتی به شکل شورش های بردگان علیه برده داران شعله
ور می شد .

✓✓ دهقانان و پیشه ورانی که آن ها نیز توسط زمینداران بزرگ و دولت برده
دار استثمار می شدند، به صفوف بردگان پیوستند .

✓✓ در میان شورش های متعدد برده گان، شورشی که به رهبری اسپارتاکوس
(۷۴ تا ۷۱ قبل از میلاد) به پا گردید، دارای اهمیت و اعتبار ویژه ای است .

◆□✓ ضرباتی که از درون به نظام بردگی وارد می شد بیش و بیشتر شد و
همراه با ضرباتی که از بیرون به این نظام وارد می گردید، سرانجام موجبات
نابودی نظام برده داری را فراهم آورد.

پیدایش و تکامل حیات (۱۲)

□ ○ اقیانوس‌های اولیه

✓ آب‌هایی که به صورت بخار در اتمسفر زمین وجود داشتند ابرهایی به ضخامت صدها کیلومتر تشکیل داده بودند، بر اثر برودت تدریجی به صورت باران نازل شدند ولی قشر زمین هنوز به اندازه‌ای گرم بود که آب را به سرعت بخار می‌کرد و به هوا می‌فرستاد. سرانجام قشر زمین به برودتی رسید که توانست آب را به صورت مایع در خود جای دهد. در این مرحله بود که باران‌های دایم بر سطح زمین باریدند و گودال‌ها و حفره‌های سطح زمین را پرسیختند و نیز سیلاب‌های عظیم از کوه‌ها سرازیر شدند و تدریجاً نخستین اقیانوس‌ها را به وجود آوردند.

✓ بخشی از آمونیاک و متان اتمسفر، همراه آب باران به اقیانوس‌ها وارد شد و در آن به حالت محلول باقی ماند. این دو ماده در گرمایی که آب حالت مایع دارد، به صورت گاز هستند. نیز نمک‌ها و کانی‌های محلول از خشکی‌ها شسته شدند و در اقیانوس‌ها حل گشتند.

□ ♦ در آغاز تشکیل اقیانوس‌ها، نمکی در آب حل نشده بود، ولی چون رودها در حین جریان مقداری از آن را به دریاها می‌آوردند و نیز امواج سهمگینی که سواحل را متلاشی می‌ساختند، مقادیر قابل توجهی نمک و کانی‌ها در اقیانوس‌ها می‌ریختند، رفته‌رفته مقدار زیادی نمک در آب اقیانوس‌ها حل و انبار شد. از فعالیت آتش‌فشان‌های زیردریایی نیز مقادیری نمک و کانی‌ها به آب اقیانوس افزوده گشت. بدین صورت بود که دریا‌های اولیه شور شدند و با گذشت زمان شوری آن‌ها افزایش یافت.

✓ پیدایش آب، متان، آمونیاک و به وجود آمدن دریاهایی که متان و آمونیاک و بسیاری از نمک‌ها و کانی‌ها به صورت محلول داشتند، از نخستین سوانحی بودند که پیدایش حیات را روی سیاره ما امکان‌پذیر ساختند. چنان‌که می‌دانیم آب مهم‌ترین ماده سازنده ی ماده‌ی زنده است. آب به طور متوسط دوسوم و در بعضی از موارد نزدیک نود درصد یا بیشتر ماده‌ی زنده را می‌سازد و نیز وجود آب در حال حاضر در سه چهارم سطح کره زمین، اهمیت بسیاری در اقتصاد عالم جانداران دارد. اهمیت آب در دو خاصیت مخصوص آن است:

✓ خاصیت یکم؛ آب یکی از بهترین حلال‌هاست و بیش از سایر حلال‌ها مواد گوناگون را در خود حل می‌کند و به این حساب بهترین محیط وقوع واکنش‌های شیمیایی است. بدیهی است که واکنش‌های شیمیایی در گازها و جامدها نیز صورت می‌گیرند ولی بیشتر واکنش‌ها به سهولت و به وفور در آب انجام می‌گیرند. از آن‌جا که اساس فرایندهای زیستی، فرایندهای شیمیایی است، وفور آب در سطح زمین به صورت مایع، از مساعدترین عوامل پیدایش حیات بوده است.

✓ خاصیت دوم؛ آن‌که آب بهترین منبع هیدروژن و اکسیژن است. هر دو ی این عنصرها، خواص بسیار مفید دارند و ظهور حیات برمبنای واکنش‌های شیمیایی، به وجود آن‌ها نیازمند بوده است. ولی این دو گاز از همان آغاز عمر زمین به صورت آزاد در مجاورت قشر زمین موجود نبوده‌اند بلکه مولکول‌های آب در حکم اندوخته‌هایی از این دو گاز بوده‌اند. اکنون نیز آب تنها منبع هیدروژن و یکی از مهم‌ترین منابع اکسیژن است.

✓ آب با دارا بودن دو خاصیت مهم فوق سبب وقوع واکنش‌هایی شد که پیدایش ماده‌ی زنده را تسهیل می‌کرده‌اند. موادی که در این واکنش‌ها شرکت داشتند از همان مواد محلول در آب به‌اضافه ی خود آب و اندکی نیز کربن موجود در متان بوده‌اند.



سال ۱۹۶۳ میلادی یعنی ۵۵ سال پیش در اتحاد شوروی اولین زن تنها فرمانده سفینه، به فضا رفت.

در سال ۲۰۱۸ اولین زن در عربستان سعودی گواهینامه رانندگی اتومبیل گرفت؟؟؟!!!

از بچگی به ما میگفتند که
دزدها به جهنم میروند!
الان که بزرگ شدیم فهمیدیم به
کانادا و اروپا و آمریکا میروند!